

# نقد و بررسی شوراهای اسلامی

رضا مقدم

آذر ۱۳۶۸ تا مرداد ۱۳۶۹

## فهرست مطالب

- مقدمه بر انتشار نسخه اینترنتی
- اهمیت نقد و بررسی شوراهای اسلامی
- شوراهای کارگری چگونه اسلامی شدند
- چرا شوراهای اسلامی دوباره اهمیت یافتند
- وظایف شوراهای اسلامی
- وظایف شوراهای اسلامی و "دفاع" از منافع کارگران:
- ۱ - تلاش در جهت گسترش امکانات رفاهی و حفظ حقوق قانونی کارکنان واحد
- ۲ - بررسی شکایات کارکنان در مورد نارسائیهای واحد و پیگیری موارد حقه
- ۳ - بالا بردن آگاهی کارکنان در زمینه های اقتصادی، فنی، حرفه ای و نظایر آن
- شوراهای اسلامی و مدیریت کارخانجات
- شوراهای اسلامی و انجمنهای اسلامی
- وظایف شوراهای اسلامی بعنوان مشاور سرمایه داران
- وظیفه شوراهای اسلامی در سرکوب مبارزات کارگران
- مرجع تشخیص انحراف و انحلال شوراهای اسلامی کار
- ساختمان تشکیلاتی شوراهای اسلامی:

شوراهای اسلامی و مجمع عمومی

شوراهای اسلامی در سطح شهر

شوراهای اسلامی و خانه های کارگر

شوراهای اسلامی در سطح استان

شوراهای اسلامی در سطح کشور

- شورای عالی کار و شوراهای اسلامی

- شوراهای اسلامی و اختلافات درونی رژیم:

الف - اختلاف شوراهای اسلامی با مدیران کارخانجات

ب - شوراهای اسلامی و جناحهای سرمایه

- دو مورد رسواگر: ۱ - جنگ، ۲ - بیکار سازی ها.

- شوراهای اسلامی و سازمان تامین اجتماعی

- شکست رژیم در تشکیل شوراهای اسلامی

- شوراهای اسلامی و گرایشات جنبش کارگری:

شوراهای اسلامی و گرایش رادیکال - سوسیالیست

شوراهای اسلامی و گرایش راست جنبش کارگری

شوراهای اسلامی و گرایش محافظه کار جنبش کارگری

---

## مقدمه بر انتشار نسخه اینترنتی

۱۵ سال قبل این نوشته لازم بود، اما امروز هیچ حزب و سازمان سیاسی در اپوزیسیون ایران خواهان فعالیت در شوراهای اسلامی نیست. هیچکدام شوراهای اسلامی را بعنوان یک تشکل کارگری برسمیت نمیشناسند. اکنون از نظر همه گرایشات درون جنبش کارگری شوراهای اسلامی ضد کارگری هستند. حداقل اینکه قدرت دفاع علنی از شوراهای اسلامی را ندارند. خواست انحلال شوراهای اسلامی امری بدیهی است و این خواست حتی در میان گرایش راست جنبش کارگری هم عموماً مخالفتی علنی را بر نمی انگیزد؛ تک و توک مخالفان انحلال شوراهای اسلامی در گرایش راست نیز بیش از هر چیز خود افشاگرند تا اینکه نماینده جریانی در جنبش کارگری باشند. از انقلاب ۱۳۵۷ تاکنون گرایش راست و گرایش چپ جنبش کارگری حول مسائل کارگری اختلافات

بسیار و عمیقی داشته و دارند. مباحثات این گرایش‌ها از جمله بر سر شورا و سندیکا، قانون کار و شیوه برخورد به شوراهای اسلامی و انجمنهای صنفی بوده است و اکنون حول تشکل کارگری مورد نظر هر گرایش. اکنون گرایش راست خواهان تشکلهایی بر مبنای "همکاری طبقاتی" است و گرایش سوسیالیست خواهان تشکلهایی بر مبنای "مبارزه طبقاتی". تشکل مورد نظر گرایش راست منطبق با تشکلهای مورد توافق وزارت کار و سازمان جهانی کار است که مبنای آن بر همکاری این تشکل با دولت و کارفرماهاست.

هم اکنون فعالین جوان جنبش کارگری هم شاهد و هم درگیر بحث و مجادله بر سر این دو نوع تشکل کارگری هستند و نه بحث بر سر شیوه برخورد به شوراهای اسلامی. این موقعیت حاصل مخالفت و مبارزه گرایش سوسیالیست جنبش کارگری با شوراهای اسلامی است. مبارزه یکپارچه و قاطع گرایش سوسیالیست جنبش کارگری هم با شوراهای اسلامی و هم با هر نوع برخورد مماشات جویانه با آنها پیروز شد. امروز شوراهای اسلامی نزد فعالین همه گرایش‌ها جنبش کارگری هیچ جایگاهی ندارند بگونه ای که فعالین جوان شاید نتوانند تصور کنند که روزی گرایش‌های چشم‌امیدی به شوراهای اسلامی داشته اند. شاید نتوانند تصور کنند که مخالفت با شوراهای اسلامی و خواست انحلال آنها امری بدیهی نبوده است.

امروز اختلاف گرایش راست و سوسیالیست جنبش کارگری همچنان بر سر تشکل است اما نه حول شیوه برخورد به شوراهای اسلامی. همانطور که در بالا آمد و همه شاهدند امروز اختلاف دو گرایش جنبش کارگری بر سر تشکل کارگری نوع "همکاری طبقاتی" یا "مبارزه طبقاتی" است. گرایش راست تاکنون در ساختن تشکلهای مورد نظرش ناموفق بوده است. یکی از دلایل عدم موفقیت گرایش راست که همکاری علنی وزارت کار جمهوری اسلامی و سازمان جهانی کار را نیز با خود داشته است مخالفت قاطع گرایش سوسیالیست و چپ بوده است.

شوراهای اسلامی حاصل سرکوب جنبش کارگری و شوراهای کارگری توسط رژیم اسلامی بودند. با آنکه مبارزه با شوراهای اسلامی و مبارزه با تشکلهای کارگری مورد نظر گرایش راست که حمایت وزارت کار و سازمان جهانی کار را با خود دارد از هر نظر متفاوت است، آیا مبارزه فعلی هم با پیروزی قاطع گرایش سوسیالیست به اتمام خواهد رسید. نتیجه نهایی این مبارزه هنوز معلوم نیست، اما یک چیز مسلم است. پیروزی گرایش راست در ساختن تشکلهای کارگری مورد نظرش که بر مبنای همکاری طبقاتی است، انقلاب و سرنگون شدن جمهوری اسلامی را برای مدتی با موانع جدی روبرو خواهد ساخت. منفعت مردم مخالف رژیم اسلامی و منفعت انقلاب علیه رژیم اسلامی در گرو موفقیت گرایش سوسیالیست جنبش کارگری در ساختن تشکل های کارگری بر مبنای "ستیز طبقاتی" و "طبقه علیه طبقه" است.

رضا مقدم

فروردین ۱۳۸۳

---

## اهمیت نقد و بررسی شوراهای اسلامی

جنبش کارگری ایران با مسائل متعددی روبرو است. همه این مسائل دارای یک وزن و اهمیت نیستند. مسائل گرهی و پر اهمیت جنبش کارگری، همواره نیروهای فعال در این جنبش را ناچار می سازد، حتما سیاست خود را در قبال آنها تعیین کنند. معمولا مباحث جریان‌ها و گرایش‌ها فعال در جنبش کارگری، حول اختلافات بر سر این

مسائل گرهی متمرکز می شود. در جنبش کارگری ایران، بحث حول شوراهای اسلامی چنین نقش و جایگاهی دارد. شوراهای اسلامی در برخورد و مقابله رژیم اسلامی با جنبش کارگری نقش مهمی ایفا می کنند. شوراهای اسلامی اساساً سخنگوی سیاست های جناح مسلط رژیم اسلامی درباره مسائل و مبارزات طبقه کارگر ایران هستند. کارگران حق تشکل ندارند و رژیم می کوشد شوراهای اسلامی را به عنوان تشکل کارگران جا بزند و معرفی کند. شوراهای اسلامی به کمک انواع امکاناتی که رژیم اسلامی در اختیارشان قرار داده است، در منحرف کردن اذهان و مبارزات کارگران نقش دارند. شوراهای اسلامی تنها مجرای قانونی برای بیان، البته تحریف شده خواست های کارگری اند. این مسئله جریاناتی را، در استفاده از آنها به عنوان یک ابزار دچار توهم کرده است. در کارخانجاتی که شوراهای اسلامی ایجاد شده است هر نیروی فعال در جنبش کارگری و هر فعال جنبش کارگری هر روزه با آنها و اقدامات ضد کارگريشان روبرو است. همه اینها، چگونگی برخورد به شوراهای اسلامی را به یکی از محوری ترین مباحث و نقاط اختلاف بین جریانات و گرایشات فعال در جنبش کارگری تبدیل کرده است.

## شوراهای کارگری چگونه اسلامی شدند

کارگران در دل مبارزات و اعتصابات خود در انقلاب ۵۷، شوراهای کارگری تشکیل دادند. شوراهای کارگری در دوران انقلاب و بویژه پس از قیام بهمن ماه ۵۷، کنترل و اداره بسیاری از کارخانجات را بدست گرفتند. پس از قیام، جریانات اسلامی برای مقابله با جنبش شورایی و شوراهای کارگری در اولین قدم کوشیدند کلمه "اسلامی" را به نام شوراهای کارگری اضافه کنند. واژه "اسلامی" بمرور به نام شوراهای کارگری افزوده شد. این نخستین گام جریانات اسلامی و عوامل رژیم تازه به قدرت رسیده، برای مسخ و منحرف کردن و تصرف شوراهای کارگری بود. در آن زمان در نظر بسیاری نباید در برابر اضافه شدن کلمه "اسلامی" به نام شوراهای کارگری مقاومت می شد. اما سیر حوادث نشان داد که مسئله تنها بر سر اضافه شدن یک لغت صرف نبود. اضافه شدن واژه "اسلامی" به نام شورای کارگری هر کارخانه، گشودن یکی از دروازه هایی بود تا جریانات اسلامی با اتکا به آن، با اقدامات شوراهای کارگری که کنترل کارخانجات را بدست داشتند مقابله کنند. فعالیت شوراهای کارگری را بر منافع رژیم بورژوازی تازه به قدرت رسیده منطبق کنند. اهداف شوراهای کارگری را در چهارچوب سیاست هایی که هنوز برای رژیم اسلامی قابل تحمل بود، محصور گردانند. کارگران کمونیست را که نماینده شوراهای کارگری بودند، تحت این عنوان که این شوراها اسلامی شده است منزوی، تصفیه و اخراج کنند. مانع دخالت کارگران مبارز و پیشرو در امور شوراها شوند. نهایتاً شوراهای کارگری را تصرف کنند و به شوراهایی زرد و ضد کارگری تبدیل گردانند. توده های کارگر در مقابل اضافه شدن کلمه "اسلامی" به نام شوراهای کارخانه کم مقاومت کردند و یا نکردند. اما از اقدامات و فعالیت شوراهای خود که آشکارا با منافع و سیاست های رژیم اسلامی مغایرت داشت، به اشکال مختلف دفاع کردند. روش محافظه کارترین و عقب مانده ترین بخش کارگران در دفاع از اقدامات شوراها، نسبت دادن مشخصات شوراهایی که می خواستند و غریزه طبقاتیشان به آنها حکم می کرد، به اسلام بود. این امر، تحقق عملی تصرف شوراهای کارگری و تبدیل کلیه آنها را به شوراهایی زرد و ضد کارگری که بتوانند مطالبات کارگران را تحریف کنند و در مقابل حرکات و اقدامات مستقیم توده کارگر ایستادگی نمایند، کند کرد و در کارخانجاتی تا مقطع ۳۰ خرداد سال ۶۰ به درازا کشاند. بدنبال حوادث تابستان سال ۶۰، رژیم اسلامی با دستگیری های گسترده و اعدام های دسته جمعی، حاکمیت ترور و اختناق خود را برقرار کرد. در این میان، شوراهای اسلامی، حتی آندسته که در سرسپردگی آنها به رژیم اسلامی جای شکی نبود، منحل شدند.

## چرا شوراهای اسلامی دوباره اهمیت یافتند

پس از تابستان سال ۶۰، رژیم اسلامی در مقابله با جنبش کارگری سیاست سرکوب صرف را در پیش گرفت. به این اعتبار بود که حتی به شوراهای اسلامی وابسته بخود نیز نیازی ندید. کارگران از اخراج های وسیع، دستگیری ها و اعدام ها، ضربات شدیدی خورده بودند. رژیم اسلامی تصور کرد، کارگران تا آنجا عقب رانده شده اند که بشود، هر چیزی را به آنها تحمیل کرد. جرئت رژیم در ارائه اولین پیش نویس قانون کار اسلامی، که سند بردگی آشکار کارگران بود، بر همین تصور غلط از موقعیت جنبش کارگری استوار بود. در نیمه دوم سال ۶۱، اعتراضات وسیع کارگران به اولین پیش نویس قانون کار اسلامی به تصورات رژیم اسلامی از جنبش کارگری مهر باطل زد. رژیم اسلامی وادار شد در سیاست خود در برخورد با طبقه کارگر و جنبش کارگری که بر سرکوب صرف استوار بود، تجدید نظر کند. رژیم اسلامی در دل اعتراضات کارگران به اولین پیش نویس قانون کار اسلامی، سریعاً دست بکار تشکیل شوراهای اسلامی شد و آنهایی را که سال قبل، خود مرخص کرده بود، دوباره احضار کرد. شوراهای اسلامی آمدند و انتقادات نیم بندی به پیش نویس قانون کار کردند. رژیم اسلامی این انتقادات را در بوق و کرنا کرد و در نشریات تحت سانسور خود درج نمود. هدف این اقدامات، در کنار سیاست سرکوب، راندن و وادار کردن کارگران به بیان اعتراضات و مطالبات خود از کانال شوراهای اسلامی بود که تحت کنترل رژیم اسلامی قرار داشتند. شوراهای اسلامی از زاویه دیگری نیز برای رژیم اسلامی مطلوب شدند. کارگران در اعتراضات خود به اولین پیش نویس قانون کار اسلامی دو خواسته اساسی و عمومی داشتند: یکی، رژیم اسلامی قانون کار را پس بگیرد و دیگری، کارگران در تدوین و تصویب قانون کار شرکت کنند. رژیم اسلامی با پس گرفتن اولین پیش نویس قانون کار که تسلیم سریع در مقابل خواست اول کارگران بود، اولاً، مبارزه فعال، زنده و داغ بر سر قانون کار را از جلو صحنه جنبش کارگری کنار برد و میدان مبارزه ای که خود آنرا آغاز کرده بود، ترک کرد. مبارزه ای که چون رژیم اسلامی انتظار چنین عکس العملی را از کارگران نداشت، در آن بشدت ناآماده بود. دوماً، فرصت یافت تا درمدت زمانی که دومین پیش نویس قانون کار را تهیه و تدوین می کند، سیاست خود در برخورد به جنبش قانون کار را نیز مورد بررسی و تجدید نظر قرار دهد. این تجدید نظر را لزوم پاسخگویی رژیم اسلامی به دومین خواست کارگران، یعنی مشارکت کارگران در تهیه و تصویب قانون کار، ضروری کرد. گذاشتن رژیم اسلامی به دومین خواست کارگران همانقدر دشوار و یا غیر ممکن بود که مخالفت با آن. احضار شوراهای اسلامی که یک اقدام فوری و مشخص برای مقابله با اعتراضات کارگران به اولین پیش نویس قانون کار بود، به سیاست پایدار رژیم اسلامی در عرصه مبارزه بر سر قانون کار مبدل شد. رژیم، شوراهای اسلامی را وارد صحنه کرد و نقش نمایندگان کارگران در تهیه و تدوین قانون کار را بعهده آنها گذاشت.

اما مبارزات کارگران تنها به عرصه قانون کار محدود نبود. ناتوانی رژیم اسلامی در مقابله با مبارزات کارگران در دیگر عرصه ها نیز بیانگر شکست سیاست سرکوب صرف بود. سال ۶۲ شاهد افزایش تحرک، اعتراضات و اعتصابات کارگری نسبت به سال قبل بود. اعتصاب بزرگ کارگران دخیانیات که توسط پاسداران وحشیانه سرکوب شد، در همین سال بود. در این عرصه نیز رژیم اسلامی، وادار به تجدید نظر در سیاست سرکوب صرف شد و لذا عامل مهار و منحرف کردن مبارزات کارگری را نیز به سیاست خود، افزود. بدین معنی که سیاست خود در برخورد به اعتراضات کارگران بر سر قانون کار را به کل جنبش کارگری تعمیم داد. در دومین پیش نویس قانون کار فصلی به شوراهای اسلامی اختصاص داده شده بود تا نظیر بسیاری از نهادها و ارگان های رژیم اسلامی رسمیت یابند. اما اعتراضات و مبارزات کارگری که از همان آغاز سال ۶۳ نشان از وجود سالی پر تحرک در جنبش کارگری داشت (در هفت سال اخیر بالاترین آمار تعداد اعتراضات کارگری مربوط به سال ۶۳ است) به رژیم اسلامی فرصت نداد تا رسمیت یافتن شوراهای اسلامی را منوط به حل و فصل نهایی مبارزه بر سر قانون کار کند. در بهار سال ۶۳ فصل مربوط به شوراهای اسلامی از پیش نویس قانون کار جدا شد و مستقلاً و تحت عنوان "قانون شوراهای اسلامی کار" از طرف دولت به مجلس ارائه گردید. قانون شوراهای اسلامی کار در دیماه ۶۳ در

مجلس تصویب شد و در بهمن ماه مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت. آئین نامه انتخابات شوراهای اسلامی در مرداد ۶۴ از طرف نخست وزیر ابلاغ شد و هیئت وزیران در مهر ۶۴ آئین نامه اجرایی قانون شوراهای اسلامی را که از طرف وزارت کار پیشنهاد شده بود، تصویب کرد. بدین ترتیب شوراهای اسلامی رسماً و قانوناً به مجموعه ارگان‌هایی پیوستند که عامل اجرا و سخنگوی سیاست‌های رژیم اسلامی در جنبش کارگری هستند.

## وظایف شوراهای اسلامی

وظایف شوراهای اسلامی در قانون "شوراهای اسلامی کار" تعیین شده است. بررسی این قانون نشان می‌دهد که ایستادگی در مقابل اعتراضات کارگری، همکاری با رژیم در سرکوب مبارزات کارگران و اشاعه و تبلیغ ضد کارگری‌ترین افکار در میان طبقه کارگر وظیفه قانونی شوراهای اسلامی است و چنانچه از آن سرپیچی کنند از طرف رژیم منحل خواهند شد.

ماده سیزدهم این قانون وظایف شوراهای اسلامی را برمی‌شمارد. این ماده دارای ده بند است که هر یک وظیفه‌ای را بر دوش شوراهای اسلامی می‌گذارد. این ده وظیفه رومی شود به ترتیب زیر دسته بندی کرد:

۱- آن بخش از وظایف شوراهای اسلامی که می‌توان آنها را با چندین "اما" و "اگر" و به نوعی مربوط به "دفاع" از منافع کارگران دانست. از ده بند وظیفه شوراهای اسلامی تنها سه بند در این بخش می‌گنجد.

۲- آن بخش از وظایف شوراهای اسلامی که به تولید، اداره کارخانه و همکاری با مدیریت اختصاص دارد. شش وظیفه در این بخش جای می‌گیرد. یعنی اکثر وظایف شوراهای اسلامی مربوط به تولید و اداره کارخانه و همکاری با مدیریت است.

۳- وظیفه شوراهای اسلامی نسبت به انجمن‌های اسلامی.

## وظایف شوراهای اسلامی و "دفاع" از منافع کارگران

آندسته از وظایف شوراهای اسلامی که بتوان آنها را به نوعی به "دفاع" از منافع کارگران ربط داد شامل سه بند است: "تلاش در جهت گسترش امکانات رفاهی و حفظ حقوق قانونی کارکنان واحد"، "بررسی شکایات کارکنان در مورد نارسایی‌های واحد و پیگیری موارد حقه" و "بالا بردن آگاهی کارکنان در زمینه‌های اقتصادی، فنی، حرفه‌ای و نظایر آن".

### ۱ - تلاش در جهت گسترش امکانات رفاهی و حفظ حقوق قانونی کارکنان واحد

این یکی از وظایف شوراهای اسلامی است. برای سهولت در بررسی این بند می‌توان آنها را به دو بخش تقسیم کرد. "تلاش در جهت گسترش امکانات رفاهی" و "حفظ حقوق قانونی کارکنان واحد". الف - باید دید که شوراهای اسلامی برای تحقق ادعای خود مبنی بر "تلاش در جهت گسترش امکانات رفاهی"، حتی اگر در سطح حرف پذیرفته شود، حتی اگر از تحریفی که آنها در مطالبات رفاهی کارگران بعمل می‌آورند صرف نظر گردد، چه راهها و ابزارهایی دارند. اصولاً بررسی وظایف هر تشکل کارگری نمی‌تواند جدا از بررسی راهها و ابزارهایی که آن تشکل برای انجام وظایف خویش انتخاب کرده است صورت گیرد. اینها جدایی ناپذیرند. کارگران برای رسیدن به مطالبات خود ناگزیر از مبارزه با سرمایه داران هستند. تشکلی که وظیفه سازماندهی کارگران را در مبارزه برای رسیدن به خواسته‌هایشان به عهده ندارد از پیش نشان می‌دهد که قصد ندارد کارگران به

مطالبات خویش دست یابند. شوراهای اسلامی چنین تشکل‌هایی هستند. اینها نه تنها کارگران را برای مبارزه سازمان نداده‌اند بلکه هر کجا کارگران اعتراض و مبارزه کرده‌اند در زمره اولین جریان‌های بوده‌اند که در مقابل کارگران ایستاده‌اند. ادعای "تلاش در جهت گسترش امکانات رفاهی" نتوانسته است به شوراهای اسلامی در فریب کارگران کمک کند. چرا که عملکرد تاکتونی خود شوراهای اسلامی نیز چیزی جز خط بطلانی بر این ادعا نبوده است. ب- قسمت دوم این بند یعنی، "حفظ حقوق قانونی کارکنان واحد" می‌تواند یکی از وظایف هر تشکل کارگری باشد. چون سرمایه‌داران و کارفرماها حتی قوانین مصوب خود را که سرسوزنی منفعت کارگران را در برداشته‌اند، بسادگی اجرا نمی‌کنند. آنها به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند تا راهی پیدا کنند و از اجرای چنین قوانینی خودداری ورزند. اما بخش کوچکی از وظایف هر تشکل کارگری و بخش کمی از مبارزات کارگری حول اجرای صحیح آندسته از خواست‌های کارگری است که قوانین آنرا برسمیت شناخته‌اند. سهمی از ثروت جامعه که قوانین برای کارگران برسمیت شناخته‌اند همواره بسیار کمتر از آن بوده است که کارگران در هر مقطع خواسته‌اند. مهمترین و بخش اعظم مبارزات کارگری حول مطالباتی است که سرمایه‌داران آنرا برسمیت نمی‌شناسند و برای دستیابی به آن باید مبارزه کرد. شوراهای اسلامی نه تنها در این مبارزات در کنار کارگران نیستند بلکه علیه آن هستند. از این گذشته، شوراهای اسلامی نشان داده‌اند که ادعایشان مبنی بر "حفظ حقوق قانونی کارکنان واحد" پوچ است. بعنوان مثال، در سال ۶۸، رژیم با وجود آنکه خودش به لزوم افزایش حداقل دستمزد کارگران اذعان کرد و آنرا حق کارگران می‌دانست با قلدری تمام حداقل دستمزدها را افزایش نداد. شوراهای اسلامی نه تنها وظیفه‌ای در سازماندهی مبارزه کارگران در اعتراض به رژیم برای خویش قائل نبودند، بلکه هر اعتراض و مبارزه کارگران علیه اضافه نشدن حداقل دستمزدها در وهله اول با سد و مانع شوراهای اسلامی روبرو شد. یا طرح بن. این طرح مصوب خود رژیم اسلامی است. لذا حتی خود شوراهای اسلامی هم آنرا جزء "حقوق قانونی" کارگران بحساب می‌آورند. این طرح اجرا نشد. پس از آنکه کارگران به اجرا نشدن آن اعتراض کردند خود رژیم اسلامی به شکست این طرح اعتراف کرد. یعنی رژیم اذعان داشت که "حق قانونی" کارگران را نداده است. شوراهای اسلامی هم تکانی به خود دادند و گفتند، بله، نداده است. اینها نمونه‌هایی بود از عمل شوراهای اسلامی برای "حفظ حقوق قانونی کارکنان واحد".

بنابراین شوراهای اسلامی تحت عبارت "تلاش در جهت گسترش امکانات رفاهی و حفظ حقوق قانونی کارکنان واحد" نمی‌توانند ادعای دفاع از منافع کارگران را داشته باشند. شوراهای اسلامی در مقابل هر اعتراض و مبارزه مستقیم کارگری برای "گسترش امکانات رفاهی" و "حفظ حقوق قانونی" خود قرار دارند و تاکنون نیز علیه کارگران وارد عمل شده‌اند.

## **۲- بررسی شکایات کارکنان در مورد نارسائیهای واحد و پیگیری موارد حقه**

این بند شکایات کارکنان در مورد نارسایی وضع سرویس‌ها، وضع آشپزخانه و مسائلی نظیر آنرا مد نظر دارد. شوراهای اسلامی اذعان دارند که در چنین مواردی، خود مرجع تشخیص "موارد حقه" هستند. شوراهای اسلامی بر اساس این بند وظیفه دارند در مقابل مطالبات غیر "حقه" کارگران بایستند. آنچه کارگران حق خود می‌دانند نزد سرمایه‌داران "کفر ابلیس" است. سرمایه‌داران برای ایستادگی در برابر مبارزات کارگری و سرکوبش در وهله اول حقانیت مطالبات آنرا رد می‌کنند. این وظیفه به عهده شوراهای اسلامی گذاشته شده است. معیارهای شوراهای اسلامی را در تشخیص مطالبات "حقه" کارگران، سیاست‌های رژیم تعیین می‌کند. خواست‌های کارگری که با منافع رژیم مغایر باشد، که همواره چنین است، از نظر شوراهای اسلامی غیر "حقه" و باطل است. شوراهای اسلامی از طریق عمل به این وظیفه در رد حقانیت مطالبات اعتراض کارگری که چیزی جز باز کردن راه سرکوب آن نیست نقشی به عهده گرفته‌اند.

با آنچه گذشت دومین وظیفه شوراهای اسلامی دقیقا ایستادگی در مقابل کارگران است. شوراهای اسلامی اولین مانع در مقابل کارگران هستند. بنابراین کارگران باید با مبارزه و نیروی خود حقانیت مطالباتشان را در وهله اول به شوراهای اسلامی ثابت کنند. یعنی کارگران باید اول شوراهای اسلامی را سر جایشان بنشانند و از سد آنها بگذرند و بعد به سرمایه داران و مدیریت برسند. شوراهای اسلامی اولین "خاکریز" دفاعی سرمایه داران و رژیم اسلامی در مقابل مبارزات کارگری هستند و کارگران باید اول از این مانع عبور کنند و آنرا کنار بزنند.

### ۳- بالا بردن آگاهی کارکنان در زمینه های اقتصادی، فنی، حرفه ای و نظایر آن

در این بند بجز "بالا بردن آگاهی کارکنان در زمینه اقتصادی"، بقیه به بالا بردن آگاهی کارکنان در زمینه حفاظت و ایمنی و بهداشت محیط کار مربوط است. شوراهای اسلامی این وظیفه آموزشی خود را از سه طریق پیش می برند: ۱- "دعوت از اساتید مورد تأیید وزارت کار و تشکیل کلاس با هماهنگی مدیریت." ۲- "پخش فیلم های مستند آموزشی." ۳- "در اختیار قرار دادن جزوات مصور".

اما چه کسی است که نداند خطرانی که از این زاویه جان و سلامتی کارگران را تهدید می کند اساسا بدلیل نا آگاهی کارگران نیست. شدت کار، خرابی و بی حفاظ بودن دستگاه ها اساسی ترین علت بروز حوادثی است که باعث مرگ یا آسیب دیدگی و نقص عضو کارگران می شود. اساسا غیر بهداشتی بودن و آلودگی محیط های کار است که سلامت کارگران را تهدید می کند، نه ناآگاهی کارگران نسبت به آنها. وقتی سرمایه داران برای کاسته نشدن از سودهای نجومی خود کارگران را در چنین محیط ها و با چنین ماشین آلاتی بکار وامی دارند، آگاهی کارگران تاثیر چندانی ندارد. آیا خود همان اساتیدی که قرار است آگاهی کارگران را نسبت به حوادث ناشی از کار و بهداشت محیط کار بالا ببرند، می توانند چند ماهی در کارخانجات کارگری کنند و دچار حادثه نشوند؟ وانگهی آیا در بررسی علت حادثه که از جانب سرمایه داران صورت می گیرد این اساتید تضمینی دارند که خودشان بعنوان کارگر "بی مبالا" مقصر شناخته نشوند؟

بطور مثال شیر را در نظر بگیرید. کارگران می دانند که برای حفظ تندرستی خود باید روزانه شیر مصرف کنند. اما وقتی سرمایه داران از دادن شیر به کارگر خودداری می کنند سلامتی کارگر دچار مخاطره می گردد. اینجا دیگر آگاهی کارگر کمکی به حفظ سلامتی او نمی کند. کار در این شرایط سلامتی انسان را به خطر می اندازد حتی اگر آن انسان استاد محترم بهداشت محیط کار باشد و کتابها درباره این موضوع تحریر کرده باشد.

مسئله اینجاست که کارگران برای بالا بردن ایمنی و بهداشت محیط کار باید مبارزه کنند. در این اعتراض و مبارزه شوراهای اسلامی نه تنها کارگران را همراهی نخواهند کرد بلکه در مقابل کارگران می ایستند. بنابراین وظیفه شوراهای اسلامی برای بالا بردن آگاهی کارگران نسبت به حوادث محیط کار و بیماری های حرفه ای ناشی از آلودگی محیط های کار عملا دردی از کارگران دوا نمی کند. باید شدت کار کمتر شود. باید خرابی دستگاه ها تعمیر شود. باید ابزارهای کار دارای حفاظ های ایمنی گردند. باید از آلودگی محیط های کار کاسته شود. چنین اقداماتی به سود سرمایه داران لطمه می زند. سرمایه داران تنها با مبارزه کارگران مجبور به اجرای این اقدامات می شوند. هرگاه کارگران مبارزه کنند قبل از سرمایه داران و مدیران کارخانجات، شوراهای اسلامی را در مقابل خود پیدا خواهند کرد.

"بالا بردن آگاهی اقتصادی کارگران" نیز بخشی از وظیفه "آگاهی بخشی" شوراهای اسلامی است که هر روزه انجام می دهند. هم اکنون دستمزد کارگران بشدت پایین است. رژیم به طرق مختلف می کوشد افزایش دستمزد را امری به زیان کارگران جلوه دهد! در همین راستا شوراهای اسلامی از طریق نشریه "کار و کارگر" ضد



کارگری ترین تئوری های اقتصادی را به خورد کارگران می دهند. هر کارگری با پذیرش این تئوری های اقتصادی نه تنها نباید از اضافه نشدن دستمزد خود ناراضی باشد بلکه باید به استقبال آن بشتابد! این نمونه ای از ترویج ضد کارگری ترین اندیشه ها در میان کارگران است که به عنوان وظیفه به عهده شوراهای اسلامی گذاشته شده است.

اینها سه وظیفه ای بود که بر اساس آن شوراهای اسلامی می توانستند ادعای "دفاع" از منافع کارگران را داشته باشند. وقتی این سه وظیفه ادعای شوراهای اسلامی را باطل کند دیگر تکلیف بقیه وظایف شوراهای اسلامی یعنی بخش هایی که حتی در ظاهر هم ربطی به دفاع از منافع کارگران ندارد و به تولید و رابطه با مدیریت و انجمنهای اسلامی مربوط است باید روشن باشد.

## شوراهای اسلامی و مدیریت کارخانجات

از ده بند وظایف شوراهای اسلامی شش بند آن مربوط به همکاری با مدیریت کارخانجات است. این وظایف بدین قرار است:

۱- ایجاد روحیه همکاری بین کارکنان هر واحد بمنظور پیشرفت سریع امور.

۲- نظارت بر امور واحد بمنظور اطلاع از انجام صحیح کار و ارائه پیشنهاد سازنده به مسئولین مربوطه.

تبصره: اعمال نظارت شورای اسلامی نباید موجب توقف امور شود.

۳- همکاری با مدیریت در تهیه برنامه ها بمنظور پیشبرد امور واحد.

۴- بررسی و شناخت کمبودها و نارسایی های واحد و ارائه اطلاعات به مدیر یا هیئت مدیره.

۵- همکاری و کوشش در بهبود شرایط کار و دستیابی به میزان پیش بینی شده در برنامه های تولیدی واحد.

۶- پیشنهاد تشویق عناصر فعال و معرفی افراد لایق برای احراز مسئولیت های مناسب به مدیریت.

اینها وظایفی است که هر سرمایه داری در شرح وظایف مدیران خود جای می دهد. اصولا مدیران برای همین کارها و انجام همین وظایف است که حقوق های کلان می گیرند. شوراهای اسلامی با این وظایف رسماً و علناً تعلق خود را به کمپ سرمایه داران و مدیران کارخانجات بیان می کنند. همکاری با مدیریت کارخانجات برای تحقق برنامه های تولید اصلی ترین وظیفه شوراهای اسلامی است. برای ایجاد هماهنگی هر چه بیشتر در این امر مدیران کارخانجات در جلسات شوراهای اسلامی شرکت می کنند و بالعکس. اینها در جلسات هم شرکت می کنند تا ارتباط و همکاری بین خود را تحکیم کنند و در بالا بردن شدت کار، جلوگیری از اعتصابات و رسیدن به برنامه های تولیدی پیش بینی شده متحد عمل کنند. شوراهای اسلامی این حق را دارند که به کلیه اطلاعات کارخانه دسترسی داشته باشند. لذا آنها از اقداماتی که مدیران کارخانجات علیه کارگران در دستور دارند مطلعند و از اطلاعات مربوط به سودهای کلان کارخانجات باخبرند. اطلاعاتی که اصولاً در اختیار "امین و محرم اسرار" سرمایه داران است. قانون شوراهای اسلامی در عین اینکه به آنها حق می دهد به اطلاعات کارخانه دسترسی داشته باشند، شوراهای اسلامی را مقید می کند که امین سرمایه داران و مدیران باقی بمانند و اسرارشان را

فاش نسازند. تبصره ماده ۱۸، تصریح می کند "اعضای شورای اسلامی مطلقاً حق افشای آمار و اطلاعات سری و محرمانه واحد را ندارند."

رژیم اسلامی تا بحال از ایجاد هماهنگی بین این دو ارگان خود کمتر موفق بوده است. در کارخانجاتی مدیران با شوراهای اسلامی اختلاف پیدا کرده اند. شوراهای اسلامی و مدیریت در عین اینکه اهداف واحدی علیه کارگران دارند، اما با هم "نمی سازند". مدیران کارخانجات اذعان دارند که در اهداف با شوراهای اسلامی اختلافی ندارند و تنها مخالف دخالت آنها در مدیریت هستند. از نظر مدیران کارخانجات دخالت شوراهای اسلامی در کار مدیریت باعث اختلال در تولید می شود. چیزی که جلوگیری از آن هدف هر دو آنهاست.

بنابراین مخالفت مدیران و کارفرمایان با شوراهای اسلامی حول مسائل کلاسیک مخالفت آنها با تشکل های کارگری نیست. بحث بر سر دو شیوه مدیریت است. پذیرش دخالت شوراهای اسلامی در امور مدیریت یا خیر. نظر بخشی از رژیم اینست که شرکت اعضای شوراهای اسلامی در جلسات هیئت مدیره و توجه کردن مدیران به شوراهای اسلامی، برای رشد تولید و تحقق برنامه های تولیدی پیش بینی شده کارخانه مفید است. اینها می گویند: "مهمترین وظیفه شوراهای اسلامی کار مشارکت کارگران در اداره کارخانجات است که این ایده باید در کارخانجات بخش خصوصی جا بیفتد، قانون شوراهای اسلامی کار فصل جدیدی در مدیریت اقتصاد کشورمان ایجاد کرده که امیدواریم اقتصاد کشور در این راستا باشکوفایی روبرو شود" (کیهان، ۶۶/۳/۱۹، نگاهی به نقش شوراهای اسلامی کار)

اختلافات شوراهای اسلامی و مدیران در عین حال منعکس کننده اختلافات باندها و جناح های رژیم در کارخانجات نیز هست. رقابت جناح های رژیم برای گرفتن مدیریت کارخانجات از دست رقبای خویش خود را در اختلافات شوراهای اسلامی و مدیران، آنجا که هر دو متعلق به یک طرف دعوا نباشند، نشان می دهد. برای بردن دعوا، هر دو طرف می کوشند ظاهر قضیه را مربوط به منافع کارگران جلوه دهند و آنها را به نفع خود وارد صحنه کنند. کارگران در مواجهه با این اختلافات اکثراً علیه طرفی که دشمنی خود با کارگران را آشکارتر بروز داده است عمل کرده اند و گاه بی تفاوت نظاره گر دعوای آنها بوده اند.

در این اختلافات تا بحال بیشتر مدیران برنده بوده اند. مدیران هر کجا که توانسته اند اعضای شوراهای اسلامی را اخراج کرده اند. حتی بعضاً به مجرد اینکه بو برده اند فردی قرار است خود را در انتخابات شوراهای اسلامی کاندید کند برای اخراجش اقدام کرده اند. در مقابل شوراهای اسلامی هم، از آنجا که وظیفه دارند کارشکنی های احتمالی مدیریت را در تحقق برنامه های تولیدی به اطلاع ارگان های ذریبط برسانند، نزد باندها و جناح هایی که بدان وابسته اند شکایت کرده اند.

مدیران و شوراهای اسلامی یکی از دیگری ضد کارگرتند. دعوای آنها ربطی به حقوق و منافع کارگران ندارد. اصلی ترین وظیفه شوراهای اسلامی همکاری با مدیران کارخانجات است برای بالا بردن شدت کار، خفه کردن صدای اعتراض کارگران، سرکوب اعتصاب کارگران، پیشبردن برنامه های تولید و جلوگیری از وقفه در تولید.

## شوراهای اسلامی و انجمنهای اسلامی

شوراهای اسلامی وظیفه دارند با انجمن های اسلامی ارتباط تنگاتنگی داشته باشند. رژیم این دو را از نظر قانونی نیز در ارتباط با هم قرار داده است تا به کمک هم مجری و سخنگوی سیاست هایش در کارخانجات باشند. "همکاری با انجمن اسلامی دربالا بردن آگاهی کارکنان در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی"

یکی از ده وظیفه شوراهای اسلامی است. علاوه بر دخالت عملی انجمن های اسلامی در تشخیص صلاحیت کاندیداهای انتخابات شوراهای اسلامی، بند هشتم ماده ششم اساسنامه نمونه شوراهای اسلامی "نظارت بر تعیین صلاحیت کاندیداهای هیئت مدیره تعاونی های مسکن و مصرف و اعتبار و غیره و حمایت از آنها و نظارت بر عملکرد آنها با هماهنگی انجمن های اسلامی" را نیز از وظیفه آنها می داند. بدین ترتیب در بسیاری از کارخانجات نمی شود شوراهای اسلامی را حتی ظاهرا هم که شده از انجمن های اسلامی تفکیک کرد.

کارگران نقش ضد کارگری و ارتجاعی انجمن های اسلامی را با گوشت و پوست خود عمیقا درک می کنند. انجمن اسلامی منفورترین ارگان رژیم در کارخانه است. انجمن های اسلامی رسما و علنا وظیفه جاسوسی در کارخانجات را به عهده دارند. انجمن های اسلامی شاخه ساواک رژیم در کارخانجات هستند. تنفر کارگران نسبت به انجمن های اسلامی چنان زبانزد خاص و عام است که بعضی از مقامات رژیم یکی از علل عدم موفقیت شوراهای اسلامی را یکی دانستن این دو ارگان از جانب کارگران می دانند و لذا می کوشند به کارگران نشان دهند که این دو با هم فرق دارند.

## وظایف شوراهای اسلامی بعنوان مشاور سرمایه داران

شوراهای اسلامی قانونا مشاور سرمایه داران و کارفرماها نیز هستند. این هم بخشی از وظایف آنهاست. البته قانون شوراهای اسلامی درباره حق الزحمه این کار چیزی نگفته است. لذا روشن نیست این قانون آنها مسکوت گذاشته یا مجانی است. دیگر اینکه شوراهای اسلامی در مشاوره با سرمایه داران باید مقرراتی را نیز رعایت کنند. قانون شوراهای اسلامی این مقررات را توضیح نداده است. بنظر می رسد رژیم این مقررات را "شفافا" در کله اعضای انتخاب شده شوراهای اسلامی فرو می کند. ماده نوزدهم قانون شوراهای اسلامی می گوید:

"شورا با رعایت مقررات نسبت به موضوعات مشروح زیر، نظر مشورتی خود را به مدیریت ارائه می دهد.

الف- ساعات شروع و پایان کار و استراحت و توزیع اوقات کار در هفته.

ب- موعد و محل و نحوه پرداخت مزد و مزایا.

ج- تخصیص مشاغل افراد.

د- تعیین نرخ های کارمزدی و پاداش های کارکنان بر اساس قوانین و آئین نامه کار.

ه- ترتیب استفاده فردی و یا جمعی کارکنان از انواع مرخصی.

و- اتخاذ تدابیر برای پیش گیری از حوادث و بیماری های ناشی از کار.

ز- تنظیم برنامه و سازماندهی خدمات اجتماعی مربوط به واحد.

ح- تدوین ضوابط استفاده از خانه های سازمانی."

تقریبا کلیه مواردی که ماده نوزدهم بر می شمارد، موضوع اعتراض و مبارزه کارگران و سرمایه داران بوده است. در این موارد حتی نمی توان انتظار داشت شوراهای اسلامی بیطرف بمانند و کارگران را بحال خود رها سازند تا

برای کسب مطالباتشان مبارزه کنند. آنها علیه کارگران و مشاور سرمایه داران و کارفرماها، البته آنهم "با رعایت مقررات".

این یکی از مهمترین وظایف قانونی شوراهای اسلامی است. چنانچه آنها از وظایف قانونی خود تخلف کنند، و مثلا از مشاور سرمایه داران بودن سر باز زنند، بر اساس بند چهارم ماده ۲۴ قانون شوراهای اسلامی توسط "مرجع تشخیص انحراف و انحلال شوراهای اسلامی" منحل می شوند. شوراهای اسلامی حق هیچ نوع "ناپرهیزی" را ندارند و تنها باید ضد کارگر باشند.

## وظیفه شوراهای اسلامی در سرکوب مبارزات کارگران

شوراهای اسلامی نه تنها نباید "پای از گلیم خویش بیشتر دراز کنند" بلکه وظیفه دارند دائما مثل سگ در کارخانه بو بکشند تا چنانچه از احتمال اعتصاب و مبارزه کارگری بویی به دماغشان رسید "مقامات ذیصلاح" را مطلع کنند و در سرکوب اعتراضات کارگری همکاری های لازم را بعمل آورند. این از جمله مهمترین وظایف آنهاست.

ماده بیستم از قانون شوراهای اسلامی می گوید: "شورای اسلامی باید در زمینه های اجتماعی بروز حوادث، مراجع ذیصلاح را مطلع و همکاری های لازم را معمول دارد."

واضح است که این بند از شوراهای اسلامی نخواستہ است مراجع ذیصلاح را از وقوع سیل و زلزله با خبر کنند و مبارزات کارگری را مد نظر دارد. ماده بیستم، به وظیفه قانونی شوراهای اسلامی نسبت به مبارزات و اعتراضات کارگری اشاره دارد که آنها می توانند از "زمینه های اجتماعی بروز" آن مطلع شوند. کسانی که با نشریه "کار و کارگر" آشنایی داشته باشند، می دانند که این نشریه از کلمه "اعتصاب" تنها در مواردی استفاده می کند که مربوط به کارگران ایران نباشد. این نشریه اگر از اعتصابات کارگری ایران چیزی بگوید، از آنها بعنوان "حوادث" نام می برد. بنابراین شوراهای اسلامی قانونا وظیفه دارند مراجع ذیصلاح را از پیش نسبت به "زمینه های اجتماعی" بروز اعتصابات و اعتراضات کارگری مطلع کنند و برای جلوگیری و یا سرکوب آن "همکاری های لازم را معمول" دارند. اقدامات تاکتونی شوراهای اسلامی هنگام اعتصابات و اعتراضات کارگران عملا نشان داده است که آنها این وظیفه خود را بهتر و بیشتر از دیگر وظایف خویش انجام داده اند. عضویت در شوراهای اسلامی چنان شرایطی دارد که حتی اگر قانون آن نمی توانست تا این حد رک و راست وظایف آنها را بیان کند، رژیم قادر بود برای کسانی که دوره ای برای خدمت به سرمایه داران انتخاب می شوند آنها صریحتر تشریح کند و در استفاده از کلمات اعتصاب و مبارزه کارگری دچار مشکل نگردد. افرادی که عضویت شوراهای اسلامی انتخاب خواهند شد که از "صافی" های متعددی عبور کنند. البته این افراد اگر قبل از انتخابات خود را به مزدوران رژیم اثبات نکرده باشند در همان قدم اول از کاندید شدن آنها در انتخابات، توسط هیئت تشخیص صلاحیت، جلوگیری می شود. این هیئت ها تنها به افرادی اجازه می دهند خود را کاندید کنند که دو شرط اساسی را دارا باشند. دو شرط "اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه و وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران" و "عدم گرایش به احزاب و سازمانها و گروه های غیر قانونی و گروه های مخالف جمهوری اسلامی" فقط شامل حامیان سفت و سخت و مزدوران رژیم می گردد. این شروط چنان ارتجاعی است که حتی تنها اعتقاد به اسلام را کافی نمی داند. باید به ولایت فقیه هم اعتقاد داشت. اعتقاد به اسلام و ولایت فقیه هم کافی نیست. باید به هر دو آنها التزام عملی داشت. التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه یعنی پذیرش و اجرای سیاستها و اقداماتی که رژیم اسلامی و ولایت فقیه در مقاطع گوناگون بیان می کنند و آنها را برای حفظ رژیم و منافع سرمایه داران لازم تشخیص می دهند. پذیرش بی چون و چرای "اعتصاب غیر شرعی است" و ده ها و صدها گفته ضد کارگری

خمینی و دیگر سران رژیم از جانب شوراهای اسلامی بیانگر التزام عملی و سر سپردگی آنها به اسلام و رژیم و ولایت فقیه است.

شوراهای اسلامی علیه کارگرانند. آنها حتی در سطح حرف و وظایف قانونی روی کاغذ خود نیز قصد پنهان کردن آنها ندارند. وظایفی که شوراهای اسلامی در قبال مدیریت، تولید و اداره کارخانه دارند، آنها را روزانه در مقابل کارگران قرار داده است. شوراهای اسلامی وظیفه دارند سخنگو و مجری سیاست های رژیم در کارخانجات و جنبش کارگری باشند. مبارزات کارگری را منحرف کنند. مطالبات و خواسته های کارگران را تحریف کنند و علیه هر اعتراض و اعتصاب کارگری وارد عمل شوند. اینها در کنار انجمن های اسلامی اشاعه دهنده ضد کارگری ترین و ارتجاعی ترین عقاید در میان کارگران هستند. شوراهای اسلامی هیچ راه گریزی ندارند. حتی اگر آندسته از شوراهای اسلامی که از این "صافی"ها گذشته اند نتوانند به وظایف ضد کارگری خود، که در قانون تشکیل آنها تصریح شده است، جامعه عمل بپوشانند، توسط "مراجع تشخیص انحراف و انحلال شوراهای اسلامی" منحل می شوند.

## مرجع تشخیص انحراف و انحلال شوراهای اسلامی کار

"مرجع تشخیص انحراف و انحلال شوراهای اسلامی کار" نام کامل ارگانی است که وظیفه دارد آندسته از شوراهای اسلامی را که از تمام "صافی"های رژیم با موفقیت عبور کرده اما باز دلخواه رژیم از آب در نیامده باشند منحل کند. مقامات رژیم و همچنین گردانندگان شوراهای اسلامی از بردن نام کامل و اصلی این ارگان همواره اکراه دارند و از آن تحت عنوان "هیئت موضوع ماده ۲۲" نام می برند.

"مرجع تشخیص انحراف و انحلال شوراهای اسلامی کار" یک هیئت ۷ نفره و مرکب است از سه نفر نمایندگان شوراهای اسلامی که بهمین منظور انتخاب می شوند، سه نفر نمایندگان مدیران کارخانجات منطقه مربوطه و یک نفر نماینده وزارت کار. وظایف مرجع تشخیص انحراف و انحلال شوراهای اسلامی عبارتند از: ۱- ایجاد تفاهم و هماهنگی میان شورا و مدیریت. ۲- نظارت و بررسی کارکرد شورای اسلامی و مدیریت. ۳- رسیدگی به شکایت کارکنان نسبت به شورا. ۴- منحل کردن شورای اسلامی کار در صورت تخلف از وظایف قانونی. ۵- ارجاع تخلفات مدیر به دادگاه صالحه.

این ارگان نزد رژیم اسلامی اهمیت بسزایی دارد. مرجع کنترل شوراهای اسلامی باید همزمان با خود آنها تشکیل شود. بسیار اتفاق افتاده است که مقامات دولت و وزارت کار علت تشکیل نشدن شوراهای اسلامی در یک منطقه را با تشکیل نشدن این مرجع در آن منطقه توضیح داده اند. رژیم قبل از آنکه دهنه شوراهای اسلامی را، که تازه با هزاران بند بخودش وابسته است، بوجود نیورد اجازه نمی دهد آنها تشکیل شوند. اول دهنه برای کنترل، بعد تشکیل شورای اسلامی. کار از محکم کاری عیب نمی کند، بویژه اینکه مسئله مربوط به کارگران باشد.

## ساختمان تشکیلاتی شوراهای اسلامی

گذشته از وظایف، ساختمان تشکیلاتی شوراهای اسلامی نیز ضد کارگری بودن آنها رانشان می دهد. بررسی شوراهای اسلامی از زاویه ساختار تشکیلاتی کمک می کند تا تصویر همه جانبه تری از آنها بدست آید. شوراهای اسلامی بر اساس مقررات خود تنها در کارخانجات و کارگاه هایی تشکیل می شوند که کارکنان مشمول قانون کار آنها از ۲۵ نفر به بالا باشد. هر فردی که بخواهد کاندید نمایندگی شوراهای اسلامی شود

باید قبلاً صلاحیتش تأیید گردد. ملاک تعیین صلاحیت افراد هشت مشخصه ای است که قانون شوراهای اسلامی تعیین کرده است. ضد کارگری ترین و ضد دموکراتیک ترین مواد این شروط هشتگانه "اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه و وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران" و "عدم گرایش به احزاب و سازمان ها و گروه های غیر قانونی و گروه های مخالف جمهوری اسلامی" است. تشخیص صلاحیت و تأیید انطباق مشخصات یک فرد با شروط هشتگانه به عهده یک "هیئت تشخیص صلاحیت" سه نفره است. این هیئت مرکب است از نماینده وزارت کار، نماینده وزارتخانه ای که کارخانه تحت پوشش آن است و نماینده منتخب مجمع عمومی کارکنان. اما در عمل نظر انجمنها و شوراهای اسلامی که از نزدیک کارگران را می شناسند، در تأیید یا رد صلاحیت کاندیداها تعیین کننده است. بنابراین از قبل روشن است که این هیئت، "صلاحیت" چه کسانی را تأیید خواهد کرد. انتخابات شوراهای اسلامی زیر نظر وزارت کار برگزار می گردد. مدت اعتبار نمایندگی افرادی که انتخاب می شوند دو سال است. مخارج این تشکل ضد کارگری را از جیب کارگران می ربایند. کارفرماها و مدیران مستقیماً هر ماهه مبلغی بابت حق عضویت از حقوق کارگران کسر و به حساب شورای اسلامی کارخانه واریز می کنند.

### شوراهای اسلامی و مجمع عمومی

مجمع عمومی پدیده شناخته شده ای در جنبش کارگری است. جنبش مجمع عمومی می رود به طرف طبیعی اعتراض و مبارزه کارگران تبدیل گردد. بر این اساس شوراهای اسلامی کوشیده اند مجمع عمومی را در سیستم خود هضم کنند. خود را متکی به مجمع عمومی نشان دهند و در عین حال بکوشند آنرا از میان تهی کنند و از آن تنها یک نام باقی بگذارند. برخورد شوراهای اسلامی به مجمع عمومی شبیه برخورد آنها به مطالبات جنبش کارگری است. شوراهای اسلامی در برخورد با مطالبات کارگری تا آن حدی جلو می آیند که بتوانند از پیشروی کارگران جلوگیری کنند. جایگاه مجمع عمومی نزد شوراهای اسلامی باید از همین زاویه مورد بررسی قرار گیرد.

قانون شوراهای اسلامی سه ماده و چهار تبصره خود را به توضیح اختیارات مجمع عمومی اختصاص داده است. این قانون در تبصره یکم ماده اول خود مجمع عمومی را چنین تعریف کرده است: "مجمع عمومی هر واحد از کلیه کارگران و سایر کارکنان به استثناء مدیریت تشکیل می شود". تبصره ماده دوم، انتخاب نماینده کارگران در هیئت تشخیص صلاحیت را از اختیارات مجمع عمومی دانسته است. تبصره چهارم ماده نهم، تعیین میزان حق عضویت شوراهای اسلامی را به مجمع عمومی محول کرده است. ماده دهم، می گوید: "شورای اسلامی در حدود وظایف و اختیارات خود در برابر هیئت موضوع ماده ۲۲ و مجمع کارکنان مسئول است".

کارگران تا بحال تلاش شوراهای اسلامی را در محدود کردن مجمع عمومی عملاً با شکست روبرو ساخته اند. کارگران در مجمع عمومی، خود را محدود به آنچه که شوراهای اسلامی می خواهند نکرده اند. کارگران تا بحال پاسخهای دندان شکنی به واضعان این قانون و شوراهای اسلامی داده اند و مجمع عمومی را طناب داری بر گردن شوراهای اسلامی کرده اند. مجامع عمومی کارگران تا بحال صحنه بازخواست کارگران از شوراهای اسلامی بخاطر اعمال ضد کارگری آنها بوده است. البته رژیم اسلامی به فکر نجات شوراهای اسلامی از رو در رویی با کارگران بوده است. ماده چهاردهم می گوید: "شورای اسلامی موظف است گزارش اقدامات خود را در آخر هر شش ماه به اطلاع اعضای مجمع برساند." این ماده تصریح نکرده است که شوراهای اسلامی باید در مجمع عمومی گزارش کار خود را بدهند و راه را باز گذاشته که شوراهای اسلامی بدون رو در رویی با کارگران در مجمع عمومی، گزارش خود را مثلاً با صدور اطلاعیه ای و چسباندنش در نقاط مختلف کارخانه به کارگران بدهند. اما کارگران اجازه نداده اند شوراهای اسلامی از این راه فرار استفاده کنند و عملاً مجمع عمومی را به صحنه

اعتراض علیه شوراهای اسلامی و افشای آنها تبدیل کرده اند. کارگران نشان داده اند که شوراهای اسلامی نمی توانند از مجامع عمومی به نفع خود استفاده کنند و آنرا از میان تهی سازند. قانون شوراهای اسلامی محدودیتهایی هم برای تشکیل مجمع عمومی قائل شده است. ماده دوازدهم، تشکیل مجمع عمومی عادی را تنها سالی یکبار الزامی کرده است. تبصره یکم این ماده می گوید: "شورای اسلامی می تواند راسا یا به تقاضای مدیریت و یا با در خواست یک چهارم کارکنان واحد، مجمع عمومی فوق العاده کارکنان را تشکیل و موضوع مورد درخواست را در دستور جلسه قرار دهد و در صورت تقاضای بیش از پنجاه درصد کارکنان تشکیل مجمع الزامی است و در هر صورت تأیید هیات موضوع ماده ۲۲ برای تشکیل مجمع فوق العاده ضروری است". بعلاوه اینکه تبصره دوم همین ماده دوازدهم می گوید: "مجمع کارکنان بطور فوق العاده نمی تواند هر سه ماه بیش از یکبار تشکیل گردد". اینکه تشکیل مجمع عمومی تنها سالی یکبار الزامی است، محدودیت مهمی است. محدودیت دوم هنگامی است که تشکیل مجمع عمومی فوق العاده باید به تأیید هیئت موضوع ماده ۲۲ برسد. محدودیت سوم این است که مجمع عمومی فوق العاده نباید در هر سه ماه، بیش از یکبار تشکیل گردد. کارگران تابحال این محدودیتها را عملاً نپذیرفته اند. کارگران هرگاه اراده کرده اند مجمع عمومی خود را تشکیل داده اند. حتی کارگران آن شوراهای اسلامی که از حضور در مجمع عمومی امتناع می کرده اند را از سوراخپاشان بیرون کشیده و مجبور به شرکت در مجمع عمومی کرده اند تا پاسخگوی اعمال ضد کارگريشان باشند.

اساسنامه نمونه شوراهای اسلامی حدود وظایف و اختیارات مجمع عمومی را مشروح تر از قانون شوراهای اسلامی توضیح داده است. بخش دوم این اساسنامه که مواد سوم و چهارم را در بر می گیرد و شامل دوازده بند است به موضوع مجمع عمومی اختصاص دارد. ماده سوم، مجمع عمومی را عینا شبیه قانون شوراهای اسلامی تعریف کرده است، که بدان اشاره کردیم. بندهای ماده چهارم بدین قرار است:

۱- بررسی و رسیدگی گزارش اقدامات انجام شده شورای اسلامی .

۲- بررسی گزارش مالی و اتخاذ تصمیم در مورد آن.

۳- بررسی برنامه کلی و بودجه سال مالی آتی شورای اسلامی و تصویب یا رد آن.

۴- تصمیم گیری راجع به اموال شورا در صورت عدم فعالیت مجدد شورای اسلامی.

۵- تصویب و یا رد اساسنامه و اصلاحات و تغییرات آن.

۶- انتخاب نماینده کارکنان در هیئت تشخیص صلاحیت.

۷- انتخاب اعضای اصلی و علی البدل شورای اسلامی.

۸- تعیین و یا تغییر میزان حق عضویت کارکنان.

۹- انتخاب هیئت تسویه.

۱۰- تقاضای انحلال شورای اسلامی یا سلب عضویت هر یک از اعضای شورای اسلامی از هیئت تشخیص انحراف و انحلال شوراهای اسلامی با ارائه دلایل و مدارک کافی.

۱۱- تعیین اولویت فعالیت شورای اسلامی در برنامه آتی خود.

۱۲- مجمع عمومی کارکنان به شورای اسلامی واحد اجازه می دهد تا به کانون هماهنگی شوراهای اسلامی استان ملحق گردیده و... "بندهای پنجم و دهم تلاشی است برای محدود کردن "حقوق و اختیارات" فی الحال و عملاً موجودی که کارگران برای مجمع عمومی قائلند. مجمع عمومی بدون اختیاراتی که این دو بند از آن سلب کرده است ارزش و خاصیتی ندارد و دیگر ارگان اعمال اراده کارگران نیست. بند پنجم وظیفه تصویب یا رد اساسنامه شوراهای اسلامی را به عهده مجمع عمومی گذاشته، اما تبصره این ماده آنرا پس گرفته است. تبصره ماده چهارم می گوید: "هرگونه تغییر در اساسنامه شورای اسلامی بایستی به تأیید وزارت کار و امور اجتماعی برسد". بند دهم به مجمع عمومی تنها این اختیار را می دهد که انحلال شورای اسلامی یا سلب مسئولیت از یک یا چند نفر از نمایندگان را از "مرجع تشخیص انحراف و انحلال..." تقاضا کند. فقط همین. طبق این اساسنامه مجمع عمومی نمی تواند راساً و بعنوان بالاترین مرجع تصمیم گیری هر تشکل، هرگاه که اراده کرد، شورای اسلامی را منحل و یا از یک یا چند نفر از نمایندگان آن سلب مسئولیت کند. این بزرگترین محدودیتی است که مجمع عمومی در سیستم و ساختار تشکیلاتی شوراهای اسلامی دارد. شوراهای اسلامی مجمع عمومی را در ساختار تشکیلاتی خود بکار گرفته اند تا مانعی در مقابل جنبش مجمع عمومی ایجاد کنند. اما خود حرکات و اعتراضات کارگری نشان می دهد که شوراهای اسلامی بیشتر از هر کجا در از میان تهی کردن مجمع عمومی نا موفق بوده اند. شوراهای اسلامی نه تنها قادر نشده اند محدودیت های مورد نظر خود را به مجمع عمومی کارگران تحمیل کنند، بلکه مجمع عمومی بعنوان وسیله ای کارا علیه خودشان به حرکت در آمده است. بین مجمع عمومی سر و دم بریده مورد نظر شوراهای اسلامی و اراده ای که کارگران عملاً در مجمع عمومی از خود بروز می دهند شکافی است که بیشتر از هر چیز بی ربطی آنها را به یکدیگر نشان می دهد. تا بحال کارگران از اینکه شوراهای اسلامی به مجمع عمومی گزارش دهند، استقبال کرده اند و آنرا علیه خود شوراهای اسلامی بکار گرفته اند. کارگران مجامع عمومی را به صحنه اعتراض علیه شوراهای اسلامی، به محل افشا و بعضاً انحلال آنها تبدیل کرده اند.

### **شوراهای اسلامی در سطح شهر**

شوراهای اسلامی بعد از کارخانه به ترتیب در سطح شهر، استان و کشور به هم می پیوندند. (شوراهای اسلامی در شهرهای بزرگی نظیر تهران قبل از آنکه در سطح شهر به هم به پیوندند بر اساس تقسیمات جغرافیایی کوچکتری مثل محور جاده ساوه و جاده کرج متشکل می شوند)

شوراهای اسلامی در سطح شهر کنگره برگزار می کنند. کنگره "کانون هماهنگی شوراهای اسلامی ... " آن شهر را بر می گزیند. نمایندگانی برای "هیئت حل اختلاف" انتخاب می کند. (هیئت حل اختلاف مرکب است از نمایندگان شوراهای اسلامی، دولت و کارفرماها. نمایندگان شوراهای اسلامی یک سوم اعضای هیئت حل اختلاف را تشکیل می دهند) نمایندگان خود را برای شرکت در "کنگره شوراهای اسلامی استان" انتخاب می کند. بازرسین مالی را برمی گزیند. اعضای شوراهای اسلامی هر شهر جلسات ماهانه دارند. در این جلسات که معمولاً مقامات وزارت کار و خانه کارگر هم شرکت می کنند، مهمترین مسائلی که شوراهای اسلامی با آن درگیرند مورد بحث و بررسی قرار می گیرد و به اطلاع مقامات دولتی می رسد.

### **شوراهای اسلامی و خانه های کارگر**



رژیم خانه کارگر را در سطح یک شهر تشکیل می دهد. خانه کارگر یکی از ارگانها و ابزارهایی است که رژیم توسط آن شوراهای اسلامی را بوجود می آورد و سر نخ و کنترل آنها را بدست می گیرد. بسیاری از مسئولین و گردانندگان خانه های کارگر پست های مهم دولتی نیز دارند. مهمترین مسائل کارگری هر شهر در خانه کارگر شهر مربوطه بررسی می شود. شوراهای اسلامی هر کارخانه با خانه کارگر شهر رابطه تنگاتنگی دارند و توسط آن هدایت می شوند. یکی از مهمترین ابزارهای خانه کارگر در هدایت و کنترل شوراهای اسلامی نشریه "کار و کارگر" است. این نشریه هفتگی است و از سال ۶۴، همزمان با آغاز پروسه تشکیل شوراهای اسلامی انتشار خود را آغاز کرد و تا کنون در تشکیل و هدایت شوراهای اسلامی نقش مهمی داشته است.

### **شوراهای اسلامی در سطح استان**

شوراهای اسلامی بعد از شهر در سطح استان به هم می پیوندند. شوراهای اسلامی در سطح استان دارای کنگره هستند که نمایندگان شرکت کننده در آن، در کنگره شوراهای اسلامی هر شهر انتخاب می شوند. کنگره شوراهای اسلامی هر استان "کانون هماهنگی شوراهای اسلامی استان ..." را انتخاب می کند، تعدادی را بعنوان "هیئت حل اختلاف" برمی گزیند، بازرسین مالی را تعیین می کند، نمایندگان خود را برای شرکت در کنگره سراسری شوراهای اسلامی، برمی گزیند. نمایندگان خود را برای "مرجع تشخیص انحراف و انحلال شوراهای اسلامی" انتخاب می کند. (این مراجع در سطح بالاتر از شهر و برای یک منطقه انتخاب می گردند. در هر حال محدوده هر منطقه را وزارت کار تعیین می کند)

### **شوراهای اسلامی در سطح کشور**

شوراهای اسلامی پس از هر استان در سطح کشور به هم می پیوندند. شوراهای اسلامی در سطح کشور دارای کنگره هستند. نمایندگان این کنگره از طریق کنگره شوراهای اسلامی در سطح استان انتخاب می شوند. هرگاه دو سوم نمایندگان شوراهای اسلامی هشت استان صنعتی کشور در کنگره حاضر باشند، کنگره رسمیت دارد. کنگره سراسری شوراهای اسلامی "شورای مرکزی کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کشور" را انتخاب می کند که دارای پانزده عضو اصلی و چهار عضو علی البدل است. "هیئت عالی حل اختلاف" را برمی گزیند که دارای ده عضو است. نمایندگان خود را برای شرکت در کنفرانس های "سازمان بین المللی کار" تعیین می کند که تعداد آنها دو نفر است. بازرسین مالی را انتخاب می کند که تعداد آنها دو نفر است. نمایندگان شوراهای اسلامی در "شورای عالی کار" را تعیین می کند که دارای سه عضو اصلی و سه عضو علی البدل است و نمایندگان شوراهای اسلامی در سازمان تامین اجتماعی را انتخاب می کند که تعداد آنها دو نفر است.

### **شورای عالی کار و شوراهای اسلامی**

"شورای عالی کار" یکی از مهمترین ارگانهای رژیم اسلامی در رابطه با مسائل طبقه کارگر است. مهمترین وظیفه شورای عالی کار تعیین حداقل دستمزد روزانه کارگران در سطح کل کشور و رشته ها و مناطق مختلف است. کارگران در چند ساله اخیر ضد کارگری بودن شورای عالی کار را عمیقا درک کرده اند. شورای عالی کار در این چند ساله با مخالفت با افزایش حداقل دستمزد، زندگی و هستی میلیونها کارگر را به بازی گرفته است. دیگر وظایفی که شورای عالی کار به عهده دارد چنین است: تعیین ضوابط کلی آئین نامه های انضباطی، تعیین موارد و ضوابط از کار افتادگی کلی و جزئی و یا بیماری های حرفه ای و غیر حرفه ای ناشی از کار و فوت کارگر و میزان قصور کارفرما، تعیین کارها و مشاغل سخت و زیان آور نیز از وظایف شورای عالی کار است. همچنین وزیر کار می

تواند تهیه و تصویب اسنادی را به آنها ارجاع دهد که تهیه و تصویب اساسنامه نمونه برای شوراهای اسلامی، از این جمله است.

"شورایعالی کار" یک هیئت یازده نفره است. این شورا مرکب است از وزیر کار که ریاست آنرا به عهده دارد، دو نفر به پیشنهاد وزیر کار و تصویب هیئت وزیران که یکی از آنها باید عضو "شورای عالی صنایع" باشد، سه نفر از نمایندگان سرمایه داران که یکی از آنها باید از بخش کشاورزی باشد، سه نفر نمایندگان شوراهای اسلامی که یکی از آنها باید از بخش کشاورزی باشد، یک نفر از اعضای کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس و وزیر دادگستری. شورایعالی کار یکی از مراکز تصمیمات ضد کارگری است و شوراهای اسلامی در کلیه آنها شریک اند.

## شوراهای اسلامی و اختلافات درونی رژیم

### الف - اختلاف شوراهای اسلامی با مدیران کارخانجات

اختلافات درونی رژیم در کارخانجات خود را در اختلاف بین شوراهای اسلامی با مدیران نشان می دهد. رژیم اسلامی بزرگترین سرمایه دار کشور و از باندها و جناح های مختلفی تشکیل شده است. رقابت باندها و جناح های مختلف رژیم تنها برای احراز پست های سیاسی و اداری دولتی محدود نیست و بدست گرفتن کنترل کارخانجات و موسسات اقتصادی را نیز در بر می گیرد. بروز اختلاف بین مدیران کارخانجات با شوراهای اسلامی در مواردی ناشی از تعلق آنها به باندها و جناح های مختلف است. در تلاش برای حذف رقیب، هر طرف می کوشد پای کارگران را به نفع خود به میان بکشد. تابحال کارگران در دعوی آنها اکثرا علیه طرفی وارد عمل شده اند که دشمنی خود را با کارگران آشکارتر بروز داده است.

### ب - شوراهای اسلامی و جناحهای سرمایه

شوراهای اسلامی می کوشند جناحی از رژیم اسلامی را مدافع کارگران جلوه بدهند و نفرت و مبارزه کارگران علیه کل سرمایه داران و رژیمشان را متوجه بخشی از آنها سازند تا بقیه را مصون نگه دارند.

۱- تعیین حدود دولتی بودن سرمایه ها و کارخانه ها یکی از موضوعات مورد اختلاف درون رژیم اسلامی است. شوراهای اسلامی طرفدار دولتی بودن کارخانجات و دخالت هر چه بیشتر دولت در اقتصادند. به همین دلیل است که هرگاه بخشهایی از رژیم بکوشند کارخانجات دولتی شده در دوران انقلاب را به صاحبان اولیه آنها یا بخش خصوصی واگذار کنند، شوراهای اسلامی تبلیغات راه می اندازند و در صدد بسیج کارگران علیه آنها بر می آیند.

۲- شوراهای اسلامی در اختلاف بین بورژوازی صنعتی با تجار و بازار می کوشند کارگران را به دفاع از بورژوازی صنعتی به میدان آورند. شوراهای اسلامی بسیاری از مشکلاتی که کارگران با آن درگیرند را تنها به گردن تجار می اندازند. گرانی، تورم و کمبود مایحتاج عمومی دست شوراهای اسلامی را در این گونه تبلیغات باز گذاشته است تا دیگر دشمنان کارگران پنهان بمانند.

۳- شورای نگهبان تابحال چندین بار قانون کار مصوب مجلس را که شوراهای اسلامی نیز مدافع آنند رد کرده است. همانگونه که وجود تورم دست شوراهای اسلامی را باز گذاشته که حمله کارگران را تنها متوجه تجار و

بازار کنند، مخالفت شورای نگهبان با قانون کار هم به آنها امکان داده که تنها شورای نگهبان را مخالف منافع کارگران و جناحی از رژیم را مدافع کارگران جلوه بدهند.

## دو مورد رسواگر

شوراهای اسلامی در طول فعالیت چند ساله خویش در دو زمینه (جنگ و بیکار سازی ها) ماهیت عمیقا ضد کارگری خود را نشان داده اند. هر کارگری حتی اگر مواضع شوراهای اسلامی را تنها در همین دو زمینه مدنظر قرار دهد، برای شناخت ماهیت آنها کافی است.

### ۱ - جنگ

آتش جنگ خاموش شده است. اما اقدامات بغایت ضدکارگری شوراهای اسلامی در دوران جنگ فراموش نخواهد شد. در دوران جنگ و بویژه در اواخر آن یکی از محورهای درگیری کارگران و شوراهای اسلامی حول مسئله جنگ بود. شوراهای اسلامی مجری سیاست های جنگی رژیم اسلامی در کارخانجات بودند. بسیج جنگی، تبلیغ کردن و تحت فشار گذاشتن کارگران برای رفتن به جبهه ها، اخاذی از کارگران برای جبهه ها، تلاش برای فرستادن کارگران به صنایع نظامی، تلاش برای خواباندن هر حرکت کارگری و غیره از جمله اقدامات شوراهای اسلامی بود.

### ۲- بیکار سازی ها

رژیم اسلامی بدنبال کاهش قیمت نفت و کمبود ارز ناشی از آن، قطع و یا کاهش خرید لوازمی را که کارخانجات برای ادامه تولید خود بدان نیاز داشتند در دستور گذاشت. اجرای این سیاست که بهزاد نیوی آنرا "کم کردن نان خورها" نامید، بیکاری بیش از یک میلیون کارگر صنعتی را بهمراه آورد. رژیم اسلامی اخراج یا بازخرید را در مقابل کارگران قرار داد. بازخرید کارگران بار مالی بسیار زیادی را بر دوش رژیم اسلامی می گذاشت. شوراهای اسلامی در دوران بیکار سازی ها تلاش موفقی را آغاز کردند تا از بار مالی بازخریدها بکاهند. شوراهای اسلامی با سیاست بازخرید کارگران که از طرف بخش هایی از رژیم اسلامی حمایت می شد به مخالفت برخاستند. شوراهای اسلامی از نام بیمه بیکاری که همیشه یکی از مهمترین خواست های کارگران بود استفاده کردند و طرحی را تحت عنوان بیمه بیکاری ارائه دادند تا رژیم اسلامی با قبول آن در مجموع پول کمتری به کارگران بیکار شده پرداخت کند. شوراهای اسلامی در پایان این مناقشات به کل رژیم فهماندند که طرح "بیمه بیکاری" ارزان تر از هر طرح دیگری تمام خواهد شد. شوراهای اسلامی نزد رژیم از ارزان تر بودن این طرح سخن گفتند و نزد کارگران از اهمیت تحقق بیمه بیکاری یعنی یکی از مهمترین خواست هایی که کارگران سالها برایش مبارزه کرده اند. هم اکنون "بیمه بیکاری" به تعداد بسیار اندکی از کارگران تعلق گرفته است که در مقام مقایسه با بیش از یک میلیون کارگری که شغل خود را از دست دادند (نه حتی کلیه بیکاران و افراد آماده بکار کشور) هیچ است. بعلاوه آنکه مدت و مبلغی که تحت عنوان بیمه بیکاری به یک کارگر پرداخت می شود بسیار محدود است. وقتی کارگران شاغل با دستمزد خود نتوانند چرخ زندگی خویش را بگردانند، تکلیف کارگرانی که این بیمه بیکاری ناچیز را می گیرند روشن است. شوراهای اسلامی در دوران بیکار سازی ها "شریک دزد و رفیق قافله" بودند.

## شوراهای اسلامی و سازمان تامین اجتماعی

سازمان تامین اجتماعی، کارگران بیمه شده را تحت پوشش دارد و موظف است که در قبال مبالغ حق بیمه ای که از کارگران می گیرد به آنها هنگام بازنشستگی، بیماری و حوادث ناشی از کار خدماتی ارائه کند. کارگران

همواره به سطح نازل خدماتی که این سازمان در اختیار آنها قرار داده است معترض بوده اند. در چند ساله اخیر، سطح سابقا نازل خدمات سازمان تامین اجتماعی نازلتر شده و وضع درمانی و بهداشتی کارگران را بشدت وخیم کرده است. علت آنکه، رژیم اسلامی کسر بودجه دارد و مبالغی را که از سازمان تامین اجتماعی دریافت کرده تا بابت آن به کارگران خدمات پزشکی و درمانی بدهد، به خدمات درمانی و پزشکی کل کشور اختصاص داده است. رژیم در واقع هزینه های بهداشتی و درمانی کل کشور را از راه بالا کشیدن پول کارگران تامین کرده است. کارگران در اعتراض به این دزدی آشکار خواهان بدست گرفتن کنترل سازمانی شدند که به آن حق بیمه می پردازند. شوراهای اسلامی برای افزایش کنترل خود بر جنبش کارگری و امورات مختلف کارگران و چنگ اندازی بر سرمایه های هنگفت این سازمان که همواره موضوع اختلاف جناحها و باندهای رژیم بوده است بر اعتراضات کارگران سوار شدند. اخیرا نیز مجلس لایحه ای تصویب کرد که شوراهای اسلامی بتوانند تا حدودی در امور سازمان تامین اجتماعی دخالت کنند.

## شکست رژیم در تشکیل شوراهای اسلامی

شوراهای اسلامی طبق مقررات خود تنها در واحدهایی تشکیل می شوند که بیش از ۳۵ نفر شاغل مشمول قانون کار داشته باشند. بر این اساس و بر طبق آمارهای سازمان تامین اجتماعی، شوراهای اسلامی در حدود ۶۵۰۰ واحد می توانند تشکیل شوند. رژیم در نظر داشت تا پایان سال ۶۶ در ۸۰ درصد واحدهایی که بیش از ۳۵ کارگر دارد، (۵۲۰۰ واحد) شوراهای اسلامی را تشکیل دهد. اما تا پایان سال ۶۷، شوراهای اسلامی تنها در ۱۱۰۰ واحد تشکیل شدند. یعنی حدود ۲۱ درصد تعدادی که رژیم مد نظر داشت. این آمار برای اثبات شکست رژیم در تشکیل شوراهای اسلامی اگرچه کافی است، اما ابعاد شکست رژیم از این فراتر است. حتی خود مقامات رژیم و نشریه "کار و کارگر" نیز شکست شوراهای اسلامی را تنها از زاویه این آمار بررسی نمی کنند.

با اینکه شوراهای اسلامی ادعا دارند که سازمان کارگران هستند، اما این رژیم است که خود را موظف می بیند علل شکست آنها را توضیح دهد. همانطور که رژیم شکست سیاست های خود را مثلا در جلوگیری از بالا رفتن قیمت ها توضیح می دهد. حتی همین مسئله هم نشان می دهد که شوراهای اسلامی ارگان هایی دولتی هستند.

در توضیح علل دست نیافتن شوراهای اسلامی به اهداف تعریف شده خود، عوامل متعددی را می توان برشمرد که مهمترین آنها بدین قرار است:

۱- ایستادگی شوراهای اسلامی در مقابل هر حرکت کارگری و همکاری با رژیم اسلامی در سرکوب مبارزات کارگران.

۲- همکاری شوراهای اسلامی با انجمن های اسلامی در شناسایی و دستگیری کارگران مبارز و پیشرو.

۳- وابستگی شوراهای اسلامی به رژیم.

۴- سیاست های شوراهای اسلامی در قبال جنگ.

۵- تحویل دادن استدلالات رژیم اسلامی به کارگران برای مخالفت با خواست های کارگری.

۶- شروط بشدت ضد دموکراتیک و ارتجاعی برای کاندیداتوری در انتخابات شوراهای اسلامی. نظیر طرفدارای از قانون اساسی و اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه.

۷- بایکوت شوراهای اسلامی از جانب کارگران.

۸- مخالفت مدیران کارخانجات با شوراهای اسلامی.

۹- ناتوانی دولت در تامین هزینه مالی ایجاد شوراهای اسلامی.

۱۰- کمبود کادرهای قابل اطمینان رژیم که بتوانند فعال شوراهای اسلامی شوند.

خود مقامات رژیم نیز به بخشی از این دلایل در شکست شوراهای اسلامی حتی علنا معترفند. شکست شوراهای اسلامی از دو زاویه قابل بررسی است. یکی، از نظر گسترش تشکیلاتی و دوم، از نظر کسب اعتبار و نفوذ در میان کارگران کارخانجاتی که در آن شوراهای اسلامی تشکیل شده است.

شوراهای اسلامی ابزار سیاستهای رژیم در جنبش کارگری اند. رژیم پس از رفع کلیه موانع قانونی و اداری تشکیل شوراهای اسلامی می بایست هزینه مالی و پرسنلی آنها مانند هر ارگان دولتی دیگر تامین کند. بعلاوه چون شوراهای اسلامی نسبت به مدیران کارخانجات نیز وظایفی دارند رژیم می بایست بین آنها سازگاری و هماهنگی ایجاد کند. رژیم اسلامی در این سه مورد نتوانست به تعهداتی که متقبل شده بود عمل کند. یعنی نتوانست هزینه مالی تشکیل شوراهای اسلامی را بپردازد. با کمبود کادرهای قابل اطمینان خود که بتوانند فعال شوراهای اسلامی شوند روبرو گشت و قادر نشد پرسنل آنها تامین کند. نه تنها نتوانست بین شوراهای اسلامی و مدیران کارخانجات هماهنگی ایجاد کند، بلکه رفع اصطکاک بین آنها خود به یکی از معضلات رژیم در کارخانجات تبدیل شد. اینها باعث شدند رژیم نتواند برای تشکیل شوراهای اسلامی به همان تعدادی که در نظر داشت حتی اقدام کند و از این زاویه با شکست روبرو شد. شوراهای اسلامی در کارخانجاتی که تشکیل شده اند از نظر کسب اعتبار و نفوذ در میان کارگران نیز شکست خورده اند. رژیم در کارخانجاتی که اقدام به تشکیل شوراهای اسلامی کرد در ابتدا با بی اعتنائی کارگران روبرو شد. این شکل اولیه مقاومت کارگران بود که قبل از هر چیز ضدیت و بی اعتمادی عمیق آنها را نسبت به عوامل رژیم در کارخانجات نشان می داد. اما بمرور بی تفاوتی ها کاهش یافت و جای خود را به اعتراض و مقاومت علیه تشکیل شوراهای اسلامی داد. رژیم در تلاش برای در هم شکستن این مقاومتها کوشید کارگران را با تهدید و ارباب هم که شده است به جلسات انتخابات شوراهای اسلامی بکشاند. این روش در کارخانجاتی موثر واقع نشد و مبارزه کارگران به اشکالی نظیر تحریم انتخابات، ریختن رای سفید به صندوقها، نشان دادن بی اعتمادی خود به کاندیدهای انتخابات شوراهای اسلامی از طریق نوشتن نام کارگران مورد اعتماد خویش، که "هیئت تشخیص صلاحیت" کاندیداتوری آنها را رد کرده بود، بر برگه های رای جریان یافت. در کارخانجاتی نیز که رژیم کارگران را با زور به پای صندوقهای رای برد و بهر صورتی که بود شوراهای اسلامی را تشکیل داد مسئله از جانب کارگران فیصله یافته تلقی نشد. کارگران با انتخاب نمایندگان مورد اعتماد خود مستقل از شوراهای اسلامی هرگاه که اعتراض و مبارزه ای جریان داشت، با افشای شوراهای اسلامی در مجمع عمومی و یا بعضا انحلال آنها اعتراض علیه شوراهای اسلامی را ادامه داده اند.

خلاصه آنکه رژیم در کارخانجاتی نتوانست برای تشکیل شوراهای اسلامی حتی اقدام کند. در کارخانجاتی که اقدام کرد با مقاومت کارگران روبرو شد. آنجا که توانست با اعمال زور و تهدید مقاومت کارگران را در هم بشکند و

شوراهای اسلامی را تشکیل دهد از فردا با اعتراضات و مبارزات کارگران علیه این تشکل ها مواجه گردید. این اعتراضات حتی بعضا به انحلال شوراهای اسلامی منجر شده است.

کارگران برای دستیابی به خواسته های خود عملا رو در روی شوراهای اسلامی قرار گرفته اند. برای کارگران راهی بجز در هم شکستن و کنار زدن شوراهای اسلامی وجود ندارد. شوراهای اسلامی هدف حمله کارگران هستند و در کارخانجاتی با مدیران هم درگیرند. علاوه بر این از طرف رژیم نیز زیر فشارند تا وظایفشان را که جلوگیری از اعتراضات کارگری یا سرکوب آنهاست بخوبی انجام دهند. مجموعه اینها، شوراهای اسلامی را در موقعیت دشواری قرار داده است. بطوریکه حتی کارگرانی را که در عین انتقاد به شوراهای اسلامی در ابتدا امیدی به آنها داشتند دچار تردید ساخته است. شوراهای اسلامی را باید از سر راه جنبش کارگری ایران جارو کرد. مبارزه برای تحریم و انحلال شوراهای اسلامی یگانه راه اصولی و رادیکال در مقابل کارگران است.

## شوراهای اسلامی و گرایشات جنبش کارگری

گرایشات مختلف جنبش کارگری در برخورد به شوراهای اسلامی مواضع متفاوتی دارند. شوراهای اسلامی از جمله موضوعات مهمی است که گرایشات مختلف جنبش کارگری با بیان سیاست های خویش در قبال آنها، خود را از یکدیگر تفکیک می کنند. این مواضع را اساسا می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- گرایش رادیکال - سوسیالیست شوراهای اسلامی را تحریم می کند. مخالف فعالیت در آنهاست و برای انحلال شوراهای اسلامی مبارزه می کند.

۲- گرایش راست مخالف تحریم و انحلال شوراهای اسلامی است و فعالیت در آنها را تأیید می کند.

۳- گرایش محافظه کار که بیانگر توهم و تزلزل در قبال شوراهای اسلامی است تحریم شوراهای اسلامی را در بعضی موارد می پذیرد. فعالیت در شوراهای اسلامی را تماما نفی نمی کند و آنها را به نوعی قبول دارد.

نمونه مواضع گرایشات مختلف جنبش کارگری در قبال شوراهای اسلامی را در میان سازمان ها و احزاب نیز می توان پیدا کرد. البته این به معنای وابستگی سیاسی و تشکیلاتی کارگران به سازمان ها و احزاب مربوطه نیست، بلکه این تمایلات حتی بعضا خام نیروهای اجتماعی و گرایشات جنبش کارگری است که با مواضع سازمان ها و احزاب چفت و بشکل فرموله و مستدل بیان شده است. بر این مبنای بررسی مواضع هر یک از این گرایشات جنبش کارگری می توان به سراغ سیاست سازمان ها و احزاب هم رفت.

## شوراهای اسلامی و گرایش رادیکال - سوسیالیست

شوراهای اسلامی مبلغ و سخنگوی رژیم در میان کارگران و تماما ارتجاعی اند. شوراهای اسلامی موظفند در سرکوب مبارزات کارگری رژیم را یاری دهند. اعتراضات کارگران را به انحراف و سازش بکشانند و تا حد امکان تحت کنترل خود در آورند. توده های کارگر را به امکانات و نهادهای دولتی متوهم سازند. روحیه صبر و انتظار و عدم اتکا بخود را در میان کارگران اشاعه دهند. از ایجاد هرگونه تشکل و سازمانیابی کارگری مستقل از دولت جلوگیری کنند. کارگران را بازیچه رقابت های درونی رژیم سازند. همراه با طرح خواست های سر و دم بریده کارگری، ضدکارگری ترین و ارتجاعی ترین افکار را بخورد کارگران دهند. کارگران رادیکال و سوسیالیست جنبش کارگری شوراهای اسلامی را تحریم و برای انحلال آنها مبارزه می کنند و مخالف فعالیت در شوراهای اسلامی

هستند. سیاست حزب کمونیست ایران در قبال شوراهای اسلامی که در قطعنامه مصوب پلنوم دهم کمیته مرکزی، آبانماه ۶۶، بیان شده بر مواضع این بخش از جنبش کارگری منطبق است.

## شوراهای اسلامی و گرایش راست جنبش کارگری

گرایش راست مخالف تحریم و انحلال شوراهای اسلامی است و فعالیت در شوراهای اسلامی را تائید و ایجاد تشکل کارگری مورد نظرش را از طریق فعالیت برای اصلاح و تسخیر شوراهای اسلامی از درون دنبال می کند. دفاع گرایش راست از موضع خود بر این پایه بنا شده است که شوراهای اسلامی با تمام اشکالات و نواقصی که دارند تشکل‌هایی کارگری و در برگیرنده کارگرانند و لذا برای جلوگیری از انزوای کارگران باید درون شوراهای اسلامی فعالیت کرد. سازمان فدائیان خلق اکثریت در مقاله "درباره نقشه کارسازمانگرا در میان کارگران" (نشریه کار شماره ۴۱) همین سیاست را فرموله کرده و از آن دفاع می کند. در نظر اکثریت شوراهای اسلامی مهمترین تشکل صنفی، علنی و قانونی کارگران هستند. اکثریت، با انحلال شوراهای اسلامی مخالف است و شعار انحلال شوراهای اسلامی را شعار "غیر مسئولانه ای" می داند، با تحریم شوراهای اسلامی مخالف است، فعالیت در شوراهای اسلامی را تائید می کند و کارگرانی را که مخالف فعالیت در شوراهای اسلامی هستند و آنها را تحریم می کنند، سکتاریست می نامد. موضع اکثریت بر یک دروغ آشکار مبنی بر اینکه، شوراهای اسلامی "تشکل علنی، صنفی و قانونی و در برگیرنده کارگران" هستند، استوار است. دیگر دلایل اکثریت در دفاع از فعالیت در شوراهای اسلامی، از جمله اینکه گویا "تلفیق کار علنی و مخفی" در شرایط مشخص ایران معنایش فعالیت در شوراهای اسلامی است و کسانی که از این کار سر باز زنند از توده های کارگر "منزوی" می شوند، بر همین دروغ بنا شده است.

سیاست اکثریت، در قبال شوراهای اسلامی را باید در چهارچوب و بر متن مواضع بغایت ضد کارگری و ارتجاعی آنها در جدال طبقاتی مورد بررسی قرار داد. کارگران نعره های فدائیان اکثریت را در دفاع از "افزایش تولید" و ضد انقلابی دانستن اعتصابات کارگری از یاد نخواهند برد. فدائیان اکثریت و حزب توده همپای رژیم اسلامی در شکستن اعتصابات کارگری، جلوگیری از مبارزات کارگری و لو دادن کارگران مبارز پیش رفتند. اکثریت امروز نیز مانند زمانی که هنوز مورد بی مهری رژیم اسلامی قرار نگرفته بود و از بارگاه امام خویش با خفت و خواری رانده نشده بود، در دفاع از سیاست های ضد کارگری خویش دلایلی تراشیده است. اینها منافع رژیم را منافع کارگران جلوه می دهند و هنگامی که در کنار رژیم قرار دارند وانمود می سازند کنار کارگرانند. شوراهای اسلامی ضدکارگری تر از آنند که حتی جریانات آب از سر گذشته ای نظیر اکثریت بتوانند آنها را لاپوشانی کنند. لذا اعتراف اکثریت به اینکه شوراهای اسلامی وابسته به رژیم، پلیسی و ارتجاعی اند تنها باعث شده که عبارت "علیرغم همه اینها" به اول دفاعیه اش افزوده شود. "علیرغم همه اینها"یی که درباره شوراهای اسلامی گفته می شود آنها "تشکل علنی، قانونی، صنفی و در برگیرنده کارگران" هستند و باید درون آنها فعالیت کرد. خود مقامات رژیم از شکست شوراهای اسلامی سخن می گویند. یعنی معترفند که حتی از متشکل کردن مزدوران خود در کارخانجات هم وامانده اند چه برسد به جلب نظر کارگران. اما اکثریت که کاسه داغ تر از آش است شوراهای اسلامی را در برگیرنده کارگران جلوه می دهد. وظایفی که خود قانون برای شوراهای اسلامی تعیین کرده است نشانی از تشکل صنفی بودن آنها ندارد. اما اکثریت حرف دهان رژیم می گذارد. در همان حال که خود مقامات رژیم معترفند، یکی از علل شکست شوراهای اسلامی این است که کارگران آنها را همانند انجمن های اسلامی می دانند و با آن مبارزه می کنند، اکثریت کفالت شوراهای اسلامی را بعهد گرفته و ادعا می کند شوراهای اسلامی با انجمن های اسلامی فرق دارند. در حالیکه کارگران به انجا گوناگون علیه شوراهای اسلامی مبارزه می کنند و در کارخانجاتی قادر شده اند آنها را منحل کنند، اکثریت در مقابل کارگران ایستاده

است و شعار انحلال شوراهای اسلامی را غیر مسئولانه می‌داند. در همان حال که کارگران انتخابات شوراهای اسلامی را تحریم می‌کنند و رژیم برای کشاندن آنها به پای صندوق‌ها به تهدید و ارباب‌متوسل می‌شود، اکثریت کارگران را از مبارزه با شوراهای اسلامی بر حذر می‌دارد و آنها را برای پیوستن به شوراهای اسلامی تشویق می‌کند. سیاست‌های اکثریت در تحمیل شوراهای اسلامی به کارگران مکمل تلاش‌های رژیم است. در شرایطی که رژیم با هر چه در توان دارد می‌کوشد مقاومت کارگران را علیه شوراهای اسلامی در هم بشکند، اکثریت با استدلال وارد میدان می‌شود تا کارگران را قانع کند که بهر حال و در مجموع شوراهای اسلامی را به عنوان "مهمترین تشکل صنفی، علنی و قانونی" خود بپذیرند.

تاریخ مبارزات کارگری بارها شاهد بوده است که بخش پیشرو جنبش کارگری در تشکل‌های زردی که توده‌های کارگر را متشکل کرده است بعضاً ناچار به فعالیت شده‌اند تا با توهّمات آنها مقابله کنند و از زیر دست رهبران خود فروخته‌ان تشکل‌ها خارجشان سازند و غیره. در مورد شوراهای اسلامی قضیه درست بر عکس است. کارگران حاضر به پذیرش شوراهای اسلامی نیستند، اما عده‌ای اپورتونیست ضد کارگر می‌کوشند کارگران را به فعالیت در آنها تشویق کنند. خود کارگران با اتکا به آگاهی و تجربه خویش که در طول بیش از یک دهه آنها کسب کرده‌اند نه تنها زیر دست و بال شوراهای اسلامی نیستند، بلکه در مقابل آنها ایستاده‌اند.

اکثریت به کارگرانی که شوراهای اسلامی را تحریم و برای انحلال آنها مبارزه می‌کنند "هشدار" می‌دهد که "منزوی" می‌شوید. در مبارزه طبقاتی دو صف رویاروی هم صف‌آرایی کرده‌اند. تعلق به هر کدام انزوا از دیگری است. خود اکثریت مایل نبود بارگاه خمینی را ترک کند. این بارگاه خمینی بود که عذرش را خواست. اکثریت از اینجا رانده و از آنجا مانده شد و منزوی گشت. اکثریت برای رهایی از این موقعیت مرگبار انزوا باید چاره‌ای می‌جست. اظهار نظر اکثریت که شوراهای اسلامی تشکل صنفی، علنی، قانونی و در برگزیده کارگراند، گامی است بسوی رهایی از انزوایی که در آن فرو رفته است. در صورتیکه کارگرانی که شوراهای اسلامی را تحریم کرده‌اند و برای انحلال آنها مبارزه می‌کنند در قلب مبارزه کارگران با شوراهای اسلامی قرار گرفته‌اند. مبارزه‌ای که حتی خود اکثریت نیز به آن معترف است و ناچارش کرده در جمع بندی اعتراضات کارگری سال ۶۶، بخشی را به بررسی آن اختصاص دهد. اکثریت کاربرد "تلفیق کار مخفی و علنی" را در شرایط مشخص ایران فعالیت در شوراهای اسلامی می‌داند. اکثریت در فعالیت چندین ساله خودش دیگر باید روشن کرده باشد که هرگاه سخن از "تلفیق کار علنی و مخفی" به میان می‌آورد منظورش بیان منحنی‌ترین نوع اپورتونیسم است. امروز هدف تمام کوشش‌های اکثریت که تحت عنوان "تلفیق کار علنی و مخفی" بعمل می‌آید این است که با مسلمان‌نمایی و شیوه‌های منحنی اپورتونیستی که در بکارگیری آنها تبحر دارد در شوراهای اسلامی "رخنه" کند. با توجه به نقشی که رژیم در مهار و سرکوب جنبش کارگری برای شوراهای اسلامی در نظر گرفته است این "رخنه" کردن معنایی جز قبولی در کنکور فرصت‌طلبی، مجیز‌گویی و بی‌پرنسیبی نیست. اکثریت از اینکه تحت نام حزب اله و ملتزم عملی به اسلام و رژیم و ولایت فقیه فعالیت کند ابایی ندارد. نام این اپورتونیسم ناب نزد اکثریت "تلفیق کار علنی با مخفی" است و کاربرد آن گردآوری بهانه و پوشش برای دفاع از فعالیت درتشکل‌هایی ضد کارگری بنام شوراهای اسلامی است.

اکثریت، برای فعالیت در شوراهای اسلامی و توجیه سیاست ضد کارگری خود به حربه‌های کثیفی هم متوسل شده است. لنین با رهبری کارگران روسیه در مبارزه‌ای آشتی‌ناپذیر با سرمایه‌داران نزد کارگران جهان نفوذ و اعتبار عظیمی کسب کرد. حال اکثریت برای توجیه سیاست‌های ضد کارگری خود بیش‌رمانه نام لنین و اعتبارش نزد کارگران را به میان می‌آورد. رژیم با تهدید و ارباب‌کارگران را به جلسه انتخابات شوراهای اسلامی می‌کشاند و اکثریت بعنوان مکمل، همان سیاست را با اتکا به تحریف‌نوشته‌های لنین، که کارگران کمونیست چپ



آلمان را در دهه بیست تشویق به فعالیت در سندیکاها و وابسته به سوسیال دموکراسی کرد تا از توده های کارگر منزوی نشوند، دنبال می کند. لنین سندیکاها و وابسته به سوسیال دموکراسی آلمان را بدلیل مواضع ناسیونالیستی که در قبال جنگ جهانی اول اتخاذ کردند زرد نامید. با این وجود خواهان فعالیت کارگران کمونیست چپ آلمان در آنها شد. فدائیان اکثریتی سندیکاها و وابسته به سوسیال دموکراسی آلمان در آن زمان را با شوراهای اسلامی، البته با وقوف به نادرستی آن، همپراز قرار می دهند. اینها با هم فرق دارند. شوراهای اسلامی تشکل کارگران نیستند. شوراهای اسلامی نفوذ و اعتباری نزد کارگران ندارند. شوراهای اسلامی را کارگران تشکیل نداده اند. شوراهای اسلامی را رژیم و از بالا توسط مزدوران خانه کارگر و انجمن های اسلامی تشکیل داده و در ادامه کار خود تعدادی پادوی توده ای و اکثریتی را نیز به خود جلب کرده است. اهداف آنها که رسماً و علناً در قانون شوراهای اسلامی بیان شده ضد کارگری است. حتی مطلع کردن مقامات ذیصلاح از هر نوع اعتصاب و مبارزه کارگری بخشی از وظایف قانونی شوراهای اسلامی است. در صورتیکه سندیکاها و وابسته به سوسیال دموکراسی آلمان تشکل خود کارگران بود. میلیون ها کارگر را در صفوف خود متشکل کرده بود. کارگران بزور سر نیزه و تهدید و ارباب به انتخابات آن کشیده نشده بودند، بلکه طی ده ها سال مبارزه رو در رو و قهرمانانه با سرمایه داران آلمان آنها را تشکل دادند. در مقابل هجوم بورژوازی با چنگ و دندان از آن به دفاع برخاستند و بالاخره آنها به بورژوازی آلمان تحمیل کردند. این سندیکاها طی ده ها سال هزاران مبارزه کوچک و بزرگ کارگران را سازمان دادند و رهبری کردند و لذا نفوذ عمیقی در میان کارگران بدست آوردند. سندیکاها و وابسته به حزب سوسیال دموکرات بودند. خود را سوسیالیست می دانستند و رسماً و علناً برای یک جامعه سوسیالیستی مبارزه می کردند. به همین اعتبار تا مقطع جنگ جهانی اول، کارگران آلمان بخش پیشتاز جنبش کارگری جهان بودند. در مقطع جنگ جهانی اول سوسیال دموکراسی آلمان و به تبع آن سندیکاها و کارگران به راست چرخیدند و در جنگ جانب سیاست های سرمایه داران و دولت آلمان را گرفتند. لنین در قبال این چرخش براساس رهبران سوسیال دموکراسی آلمان به کارگران کمونیست چپ توصیه می کند سیاست جدا کردن توده های کارگر از این رهبران را از طریق فعالیت در سندیکاها در پیش بگیرند و با خارج شدن از سندیکاها خود را از توده های کارگر جدا و منزوی نکنند. سیاست "تسخیر از درون" که توسط لنین به کارگران کمونیست چپ آلمان توصیه شد در متن چنین اوضاعی بود. مقایسه شوراهای اسلامی با سندیکاها و کارگران آلمان تنها در خدمت بالا بردن اجر و قرب و کسب اعتبار برای شوراهای اسلامی است. رژیم و شوراهای اسلامی باید خود را مدیون اکثریت بدانند. یکی از مهمترین اهداف اکثریت از فعالیت در شوراهای اسلامی تسخیر آنها از درون است. ابزار اکثریت برای تحقق این هدف تشکیل فراکسیون و هسته های مخفی در شوراهای اسلامی است. اینها وظیفه دارند آلترناتیوی شوند که وقتی از کنترل پلیسی حاکم بر جامعه کاسته شد شوراهای اسلامی را از درون تسخیر سازند و به تشکلی که اکثریت می خواهد تبدیل کنند. بر این اساس اکثریت بخشی از هواداران خود که شوراهای اسلامی را همین گونه که هست قبول دارند و قصد تسخیر آنها را ندارند و لذا لزومی به تشکیل هسته های مخفی نمی بینند "انحلال طلب" می خواند. اینها بخشی از شاگردان مکتب اکثریت هستند که به نتیجه منطقی سیاست های سازمان خود در قبال جنبش کارگری دست یافته اند. این "انحلال طلبان" سیاست های اکثریت را در جنبش کارگری آنقدرها هم از شوراهای اسلامی منفک نمی دانند تا برای پیشبرد آن وجود سازمان ویژه ای که "هسته مخفی و فراکسیون" باشد را ضروری بدانند. به نظر می رسد "انحلال طلبان" واحدهای سازمان اکثریت را به نفع شوراهای اسلامی منحل کرده اند تا کوچکترین امکان انزوا از صف ضد کارگران را هم از بین برده باشند. تلاش های اکثریت برای فهماندن نقشه هایش به اینها بی نتیجه مانده است. زیرا "انحلال طلبان" بهتر از رهبری اکثریت درک کرده اند، آندسته از شوراهای اسلامی که تا بحال توانسته اند از حمله کارگران جان سالم بدر برند وجود خویش را مدیون حاکمیت اختناق و سرکوب اند. کاسته شدن از اختناق در جامعه توأم است با برآمد جنبش کارگری که شوراهای اسلامی

را با تمام کسانی که از درون برای تسخیرشان کمین کرده اند جارو می کند. از شوراهای اسلامی جز نفرت کارگران از فعالین و گردانندگانش چیزی باقی نخواهد ماند که اکثریت بتواند آنرا تسخیر کند.

شوراهای اسلامی کارگران را با خود ندارند. فعالین و گردانندگان شوراهای اسلامی آنجا که تعدادشان از محدوده فعالین خانه کارگر و انجمن های اسلامی خارج شود شامل مشتی پادوی توده ای و اکثریتی می گردد و فراتر از آن چندان چیزی باقی نمی ماند. شوراهای اسلامی در مقابل هر حرکت و اعتراض کارگری صف کشیده اند. هر مبارزه کارگری به ناگزیر باید از سد شوراهای اسلامی بعنوان اولین مانع بگذرد و خواهد گذشت.

## شوراهای اسلامی و گرایش محافظه کار جنبش کارگری

مواضع گرایش محافظه کار جنبش کارگری در قبال شوراهای اسلامی در واقع ملاحظاتی است بر سیاست های گرایش راست. گرایش محافظه کار فعالیت در شوراهای اسلامی را تنها در بعضی موارد تأیید نمی کند و تحریم آنها را تنها در بعضی اوقات می پذیرد. در حرف خواهان انحلال شوراهای اسلامی است اما برای اصلاح و استقلال آنها از دولت فعالیت می کند. عناصر سازنده این موضع غیر منسجم، که در حقیقت بی خطی است، توهم و تزلزل و گیجی در قبال شوراهای اسلامی است. برای نقد و بررسی سیاست های گرایش محافظه کار می شود سراغ نشریه راه کارگر که فرموله کننده و مدافع آن است رفت. (در اینجا به شماره های ۲۵ فروردین ۶۵، ۴۲ شهریور ۶۶، ۵۰ اردیبهشت ۶۷ استناد شده است)

راه کارگر این اتهام گرایش راست را که او "ضرورت شرکت و کار در شوراهای اسلامی را درک نمی کند و... از فعالیت در آنها سر باز می زند" یک دروغ می داند و توضیح می دهد که شوراهای اسلامی را در همه مواقع تحریم نمی کند.

نشریه راه کارگر می نویسد "یکی از محورهای اصلی درگیری در میان کارگران و نمایندگان وزارت کار، انتخاب کاندیداهای واقعی و مستقل کارگران است. در چنین شرایطی، یکی از شیوه های مبارزه علیه شوراهای اسلامی کار، استفاده از همین محور درگیری است. کارگران پیشرو انقلابی با معرفی عناصر صادق و وفادار به منافع کارگران باید بکوشند از انتخاب عناصر وابسته به رژیم و مدیریت و همچنین عناصر متزلزل جلوگیری کنند و با رخنه دادن عناصر مترقی به این شوراهای فرمایشی، ماهیت ضدکارگری آنها را افشا کنند. بایکوت انتخابات شوراهای اسلامی کار در کارخانه هایی که اکثریت کارگران در این انتخابات خواسته یا ناخواسته شرکت می کنند، ممکن است به جدایی و انزوای کارگران پیشرو از عموم کارگران منتهی گردد. بنابراین در چنین شرایطی تاکتیک امتناع نمی تواند تاکتیک مناسبی در مبارزه با شوراهای اسلامی کار باشد، بلکه عناصر پیشرو می توانند از طریق شرکت در انتخابات بنحو موثرتری ماهیت ارتجاعی و ضدکارگری این شوراهای را افشا و راه را برای تجمع های مستقل کارگری بگشایند"

نشریه راه کارگر درباره فرق اهداف خود با اهداف گرایش راست از فعالیت در شوراهای اسلامی می گوید: "(ما) شعار انحلال آنها را می دهیم و با همین هدف نیز هست که از شرکت در انتخابات این شوراهای بهره برداری می کنیم. البته ما بر خلاف "اکثریت" هرگز کارگران را به شرکت در این شوراهای تشویق نمی کنیم، بلکه می کوشیم کارگرانی را که خارج از اراده ما در انتخابات این شوراهای شرکت می کنند، نسبت به ماهیت ضد کارگری این تشکل ها آگاه کرده و به مبارزه برای به انحلال کشاندن آنها و ایجاد تشکل های صنفی و طبقاتی خود ترغیب و تشویق کنیم."

بنابراین راه کارگر در دو موقعیت در انتخابات شوراهای اسلامی شرکت می کند و "تاکتیک امتناع" را بکار نمی برد. یکی هنگامیکه که اکثریت کارگران "خواسته یا ناخواسته" در انتخابات شوراهای اسلامی شرکت کنند. در اینجا تمام "برتری" و "هنر" راه کارگر نسبت به گرایش راست در این خلاصه می شود که هر گاه اکثریت کارگران در مقابل شوراهای اسلامی بایستند و انتخابات آنها تحریم کنند او از "تاکتیک امتناع" استفاده می کند و علیه کارگران وارد عمل نمی شود. اینجا جایی است که راه کارگر در "چپ" فدائیان اکثریت قرار می گیرد. چه "افتخار" بزرگی! از دیگر "افتخارات" راه کارگر نسبت به اکثریتی ها نداشتن سیاست تشویق کارگران به شرکت و فعالیت در شوراهای اسلامی است! راه کارگر لابد انتظار مدال هم دارد.

روشن است که "تاکتیک امتناع" نزد راه کارگر ارتباطی با ماهیت شوراهای اسلامی ندارد. نقش این "تاکتیک" جلوگیری از "جدایی و انزوا"ی راه کارگر از اکثریت کارگران است. هرگاه اکثر کارگران "خواسته یا ناخواسته" در انتخابات شوراهای اسلامی شرکت کنند راه کارگر "تاکتیک امتناع" را کنار می گذارد و هنگامیکه اکثر کارگران انتخابات شوراهای اسلامی را تحریم کنند او نیز "تاکتیک امتناع" را بکار می برد. "تاکتیک امتناع" راه کارگر را هنگام انتخابات شوراهای اسلامی به عنصری خنثی و متزلزل تبدیل می کند که اراده ای از خود ندارد و برای تصمیم گیری در انتظار روشن شدن نظر اکثریت کارگران است تا به آنها بپیوندد. کارگرانی که شوراهای اسلامی را تحریم می کنند نباید روی راه کارگری ها حساب کنند. اینها حتی به یک اقلیت پرفردت (مثلا ۵ درصد) کارگران تحریم کننده شوراهای اسلامی نمی پیوندند.

دومین موقعیتی که راه کارگر انتخابات شوراهای اسلامی را تحریم نمی کند هنگامی است که کارگران می کوشند نمایندگان واقعی خود را به شوراهای اسلامی تحمیل کنند. راه کارگر اینرا یکی از محورهای اصلی درگیری کارگران با رژیم بر سر شوراهای اسلامی می داند و مدعی است از آن بعنوان یکی از شیوه های مبارزه با شوراهای اسلامی و برای انحلال آنها استفاده می کند.

راه کارگر دیده است که هنگام تشکیل شوراهای اسلامی کارگران حول انتخاب نماینده واقعی خود با رژیم درگیر می شوند، اما نگرش و خط مشی غیر رادیکال و محافظه کارانه اش به او اجازه نداده است که از این مشاهده ساده فراتر رود و علت این حرکت کارگران را درک کند. کارگرانی به غلط تصور می کردند (یا می کنند) که اگر بتوانند نمایندگان واقعی خود را به شوراهای اسلامی تحمیل کنند قادر خواهند شد این تشکل ها را از حرکت در جهت اهداف ضد کارگريشان منحرف کنند و به خدمت منافع کارگران در آورند. راه کارگر نه تنها در مقابل توهم آشکار به امکان اصلاح شوراهای اسلامی ناپستاد، بلکه خود به آنها پیوست و قصد انحلال شوراهای اسلامی را از سر بیرون کرد.

متوهمین به امکان اصلاح شوراهای اسلامی درک نکردند که خواسته یا ناخواسته به بخشی از چرخ دنده های یک ماشین و سازمان ضد کارگری تبدیل می شوند که راننده و هدایت کننده آن رژیم است و آنها نه تنها توان منحرف کردن مسیر آنها ندارند، بلکه حتی گریزی از هم سرنوشتی با مزدوران رژیم در شوراهای اسلامی نخواهند داشت. حتی خود نشریه راه کارگر نیز اذعان دارد که "در مواردی نظیر کارخانه صنایع الکتریکی البرز، فارمکس و غیره شوراهای اسلامی با ترکیبی از نمایندگان واقعی کارگری و اعضای انجمن اسلامی شکل گرفته و به رژیم تحمیل شده اند. رژیم علیرغم میل خود در برابر کارگران عقب نشینی نموده است. البته این شوراهای از آنجا که نمایندگان واقعی تحت فشار قرار داشته اند، نتوانسته اند اقدامی بنفع کارگران انجام دهند"

جز متوهمین به اصلاح شوراهای اسلامی چه کسانی در این خیال باطل بودند که با "رخنه" نمایندگان واقعی کارگران می شود شوراهای اسلامی را از حرکت علیه کارگران باز داشت؟ گویا قرار بوده است رژیم اجازه دهد که شوراهای اسلامی کاری به نفع کارگران انجام دهند که راه کارگر حاج و واج در تعجب مانده است. راه کارگر اضافه می کند که "این مسئله که تجربه جدیدی در مبارزات کارگری است نشان می دهد که رژیم علیرغم اساسنامه تشکیل شوراهای اسلامی که اعضای آنرا مشروط به حزب الهی بودن می نمود اولاً در این مورد عقب نشینی کرده است و ثانياً قصد دارد با این عقب نشینی و با بن بست رساندن این نهادها موجب ایجاد بد بینی نسبت به نمایندگان واقعی در بین کارگران گردد" بله، رژیم دارد کاسه کوزه ضدکارگری بودن شوراهای اسلامی را بر سر این نمایندگان واقعی کارگران می شکند. اصلاح گران شوراهای اسلامی نه تنها به مقصود خود نرسیدند بلکه کارگران را نسبت به خود بدبین ساختند. متوهمین به اصلاح شوراهای اسلامی دارند چوب توهمات خود را می خورند و راه کارگر یکی از آتش بیاران این معرکه شده است. این کارگران قبل از اینکه در شوراهای اسلامی فعالیت کنند، نمایندگان واقعی کارگران بودند، اما هم اکنون باید بکوشند (به زبان راه کارگر باید "هوشیار" باشند) که به سرنوشت مزدوران ضدکارگر در شوراهای اسلامی دچار نشوند. مگر جنبش کارگری ایران چه تعداد فعال مورد اعتماد توده کارگر دارد که حال عده ای از آنها قربانی چنین سیاست هایی هم بشوند و اتوریته و نفوذ خود را که طی سالها مبارزه علیه سرمایه داران بدست آورده اند از دست بدهند. آیا جنبش کارگری ایران فعالین خود را در یک مبارزه رو در رو با رژیم اسلامی کم از دست می دهد که حالا باید ناظر از دست دادن تعداد دیگری از آنها در شوراهای اسلامی باشد. اینها قربانیان توهمات خود و سیاست های گرایشات راست و رفرمیست و محافظه کار جنبش کارگری هستند.

راه کارگر تبدیل شدن عده ای کارگر متوهم را به چرخ دنده های یک سازمان ضدکارگری تئوریزه می کند. آنجا که این کارگران می کوشند بر ارا به ضدکارگری شوراهای اسلامی سوار شوند تا مسیر آن را تغییر دهند، راه کارگر آنها را تشویق و ستایش می کند و خود نیز همراه آنها می شود. اما وقتی نتایج مخربش را مشاهده می کند آنرا به حساب "توطئه" رژیم اسلامی می گذارد. بدون اینکه ذره ای بیاندیشد که خود او از جمله جریاناتی است که این عده از کارگران را به شکارگاه می فرستد تا شکار رژیم اسلامی شوند.

راه کارگر که از ادعای انحلال شوراهای اسلامی دست کشیده است می گوید: "کارگران آگاه و پیشرو می باید نسبت به این توطئه رژیم هوشیار بوده و تلاش نمایند که این شوراهای با ترکیب جدید به نهادهای مشاوره با عوامل رژیم در کارخانجات و مدیریت تبدیل نشوند. نمایندگان کارگری می باید در مقابل اقدامات و کارشکنی های رژیم با دعوت کارگران به مجمع عمومی، این اقدامات را افشا سازند. رژیم تلاش دارد با این کارشکنی ها نمایندگان کارگری را مسئول مشکلات کارگران معرفی نماید و یا آنها را به تشکلهای وابسته بخود تبدیل نماید. این مسئله مهمترین خطر در تکامل این مرحله از مبارزه کارگران را تشکیل می دهد" راه کارگر به عنوان یک اصلاح گر رهنمود می دهد که باید کوشید این شوراهای اسلامی با ترکیب جدید به نهادهای مشاوره با عوامل رژیم در کارخانجات و مدیریت تبدیل نشوند. راه کارگر هشدار می دهد که رژیم در تلاش است تا شورای اسلامی ای را که از ترکیب نمایندگان واقعی کارگران و مزدوران انجمن اسلامی تشکیل شده است به تشکل های وابسته بخود تبدیل نماید. این همان راه کارگری است که با ادعای مبارزه برای انحلال شوراهای اسلامی وارد شده بود و حال از فعالیت برای تشکیل شوراهای اسلامی غیر وابسته به رژیم سر در آورده است. او حتی فعالیتش را مرحله بندی هم کرده است. این هشدارهای راه کارگر تازه بیانگر "مهمترین خطر در تکامل این مرحله" از فعالیت است. نشریه راه کارگر ادامه می دهد که "هسته های رهبری مخفی اتحادیه ای در کارخانه ها باید تلاش کنند تا با تلفیق کار علنی با مخفی، از این امکان علنی و مجامع کارگری برای تکامل مبارزه اتحادیه ای کارگران سود جویند. باید آگاه بود که شرط ضرور برای تکامل این مرحله استقلال فعالیت اتحادیه ای کارگران

از دولت و نهادهای وابسته به رژیم است". راه کارگر سیاست اتحادیه سازی خود را از طریق فعالیت برای تشکیل شوراهای اسلامی مستقل از رژیم دنبال می کند. مبارزه کارگران برای تحریم و انحلال شوراهای اسلامی در راستای اهدافی که راه کارگر در جنبش کارگری دنبال می کند نیست. این مسئله حتی در تحلیل و تفسیرهای راه کارگر از مبارزات کارگری نیز مشهود است.

راه کارگر می گوید: "در برخی از کارخانجات کارگران این شوراها را عملاً منحل نموده و یا مانع ایجاد دوباره شوراهای اسلامی گردیدند. در برابر این شوراها کارگران از حق انتخاب مستقیم نمایندگان واقعی خود دفاع نمودند. در بسیاری از کارخانجات کارگران قادر شدند نمایندگان واقعی خود را به رژیم تحمیل نموده و حتی رژیم را وادار به مذاکره با این نمایندگان بر سر مسائل کارگران نمایند. این پدیده جدید در جنبش کارگری، نظیر آنچه که در کفش ملی روی داد و سرحدی زاده مجبور به مذاکره با نمایندگان انتخابی کارگران گردید، از دستاوردهای مبارزه طبقه کارگر در سال ۶۶ بود!"

بله. تلاش برای اینکه شوراهای اسلامی به نهاد مشاوره با مدیریت و عوامل رژیم تبدیل نشوند، تلاش برای تشکیل شوراهای اسلامی با ترکیبی از نمایندگان کارگران و مزدوران انجمن اسلامی و خلاصه تلاش برای تشکیل شوراهای اسلامی مستقل و غیر وابسته به رژیم (!) نزد راه کارگر یک "مرحله تکاملی از فعالیت اتحادیه ای" است. اما مبارزه برای انحلال شوراهای اسلامی، جلوگیری از تشکیل مجدد آنها و انتخاب نماینده در هر مورد اعتراض بطوری که حتی با وجود شوراهای اسلامی نمایندگان رژیم مجبور شوند با این نمایندگان مذاکره کنند، "پدیده جدید" در جنبش کارگری است. دستاورد جنبش کارگری در سال ۶۶ است!

در مبارزه علیه شوراهای اسلامی گرایش رادیکال و سوسیالیست جنبش کارگری مخالف فعالیت در شوراهای اسلامی است. توهمی به اصلاح شوراهای اسلامی ندارد و برای تحریم و انحلال شوراهای اسلامی مبارزه می کند. همین تجربه چند ساله صحت و حقانیت این سیاست ها را روشن کرده است. جنبش کارگری ایران در مبارزه برای هر خواست و مطالبه خود باید در وهله اول از سد شوراهای اسلامی بگذرد و خواهد گذشت. شوراهای اسلامی ارابه ای هستند که علیه کارگران به حرکت در آمده اند. کسانی که بهر دلیلی و با هر توجیهی بر این ارابه ضدکارگری سوارند گریزی از هم سرنوشتی با مزدوران رژیم در شوراهای اسلامی ندارند. این توطئه رژیم اسلامی نیست. این نتیجه توهمات دائمی رو به کاهش گرایش محافظه کار جنبش کارگری است که جریاناتی همانند راه کارگر آنرا تئوریزه و فرموله می کنند. هیچ درجه از هوشمندی نمی تواند باعث شود کسی که در باتلاق افتاده است بوی تعفن نگیرد.

یادداشت: ۱ - اساسنامه مذکور بر اساس قانون شوراهای اسلامی توسط شورایی عالی کار تهیه و تصویب شده است. این اساسنامه بعنوان نمونه در اختیار شوراهای اسلامی گذاشته شده است. هر چند پذیرش آن برای شوراهای اسلامی اجباری نیست اما هم بیانگر نظر رژیم از یک اساسنامه مطلوب است و هم در عمل شوراهای اسلامی آنرا پذیرفته اند و مطابقش فعالیت می کنند.

این مطلب برای اولین بار و در ۵ قسمت در نشریه کمونیست، ارگان حزب کمونیست ایران، شماره های ۵۴ تا ۵۸ - آذر ۶۸ تا مرداد ۶۹ - به چاپ رسید.